Lucknow,
11/XI/26
W.I.

A 30

A30

بسم الله الرحمن الرحيم

يس والقران الحكيم انك
لمن المرسلين على صراط مستقيم
تنزيل العزيز الرحيم

لتنذر قوما ما انذر آباؤهم

تا بیم کنی گروهی را که بیم کرده نشده اند پدران نزدیک

فهم غافلون ۞ لقد حق القول

پس ایشان بیخبران اند بدرستی که درست قول خدا

علی اکثرهم فهم لا یؤمنون ۞

بر بیشتر کافران پس ایشان نمی گروند

انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا

بدرستی که ما کردیم در گردنهای ایشان غلها

فهی الی الاذقان فهم

پس آن غلها پیوسته شد بنخدانهای ایشان پس ایشان

مقمحون ۞ وجعلنا من بین

سر در هوا ماندگانند وگردانیدیم ما از پیش

ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا

روی ایشان دیواری واز پس ایشان دیواری

فأغشيناهم فهم لا يبصرون

بس بپوشیدیم چشمهای ایشان بس ایشان نمی بینند

وسواء عليهم ءأنذرتهم أم لم

و یکسانست بر ایشان بیم کنی ایشان را یا

تنذرهم لا يؤمنون إنما

بیم نکنی نمیگروند جز این نیست

تنذر من اتبع الذكر وخشي

که تو بیم کنی کسی را که پیروی قرآن کند و بترسد

الرحمن بالغيب فبشره

از خدا بپوشیدگی بس مژده ده آن ترسنده را

بمغفرة وأجر كريم إنا

بآمرزش گناهان و مزدها بزرگ ما

نحن نحي الموتى ونكتب ما

که ما زنده میکنیم مردگان را و مینویسیم انچه

قدموا وآثارهم وكل شيء

پیش فرستاده اند وپی های ایشان وهمه چیزها را

أحصيناه في إمام مبين و

در دفتری که پیشوای روشن است و

نگاه داشته ایم

اضرب لهم مثلا أصحاب القرية

بیان کن برای اهل مکه مثلی از اهل دیه انطاکیه

إذ جاءها المرسلون إذ

وقتی که آمدند بدان دیه فرستادگان چون

أرسلنا إليهم اثنين فكذبوهما

فرستادیم با ایشان دو پیغمبر پس تکذیب کردند

فعززنا بثالث فقالوا إنا إليكم

پس با قوة دادیم بسیوم فرستاده پس گفتند بدرستی که ما بسوی شما

مرسلون قالوا ما أنتم إلا بشر

فرستاده شدگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمی

مثلنا وما انزل الرحمن من
مانند ما و نفرستاده است خدا هیچ چیز

شيء ان انتم الا تكذبون
از وحی رسالت نیستید شما مگر دروغ گویان در دعوی رسالت

قالوا ربنا يعلم انا اليكم لمرسلون
گفتند پروردگار ما داناترست بدرستی که ما بسوی شما فرستادگانیم پیغمبران

وما علينا الا البلاغ المبين
و نیست بر ما مگر رسانیدن آشکارا

قالوا انا تطيرنا بكم لئن لم
گفتند بدرستی که ما فال بد گرفتیم بآمدن شما اگر باز

تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم
نه ایستید از دعوی خود هر آینه شما را سنگسار کنیم و برسد شما را

منا عذاب اليم قالوا طائركم
از ما عذابی دردناک گفتند که فال بد شما

پیغمبران

معكم أئن ذكرتم بل
باشماست آیا پند داده می شوید بلکه

أنتم قوم مسرفون ۞ وجاء
شما گروهی گذاف کاران وآمد

من أقصى المدينة رجل يسعى
از دورتر جای از شهر مردی بود که می شتافت تا برسید

قال يا قوم اتبعوا المرسلين ۞
گفت ای قوم من پیروی کنید فرستاده شدگان را

اتبعوا من لا يسألكم أجرا
پیروی کنید کسانی را که نمی خواهند از شما مزدی

وهم مهتدون ۞ وما لي لا
وایشان راه یافتگان اند وچیست مرا که نمی

أعبد الذي فطرني وإليه
پرستم آنکس را که پیدا کرد مرا وبسوی او

ترجعون ءاتخذ من دونه

باز گردیده خواهید شد ایا فرا گیرم بجز خدا

آلهة ان یردن الرحمن بضر لا

خدایان دیگر اگر خواهد خدا بگزندی

تغن عنی شفاعتهم شیئا ولا

کفایة نکند از من درخواستن ایشان چیزی را

ینقذون انی اذا لفی ضلال

و نرهانند مرا بدرستی که من انگاه در گمراهی

مبین انی آمنت بربکم

آشکارا باشم بدرستی که گرویدم من با آفریدگار شما

فاسمعون قیل ادخل الجنة

پس بشنوانید ایمان مرا گفتند درآی در بهشت ای حبیب نجار

قال یا لیت قومی یعلمون

گفت کاشکی قوم من دانا شوند

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي
بانچه بیامرزید مرا پروردگار من وگردانید مرا

مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنْزَلْنَا
از نواختگان ونفرستادیم ما

عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ
بر قوم حبیب پس از قتل یا رفع او هیچ

جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا
لشکر از آسمان ونیستیم ما

مُنْزِلِينَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً
فرو فرستنده نبود عقوبت مگر زیاد

وَاحِدَةً ۝ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
یک پس آنگاه ایشان فرو مردگان بودند

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ
ای دریغا بر بندگان نیاید بدیشان

مِّنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ
هیچ پیغمبری مگر بودند باو

يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝ اَلَمْ يَرَوْا كَمْ
استهزا میکردند ایا ندیدند که چند

اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ
هلاک کردیم ما پیش ازیشان از اهل روزگارها

اَنَّهُمْ اِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ۝
آنکه ایشان بسوی ایشان باز نمیگردند

وَاِنْ كُلٌّ لَّمَّا جَمِيْعٌ لَّدَيْنَا
و نیستند همه ایشان مگر همه جمع شده نزدیک ما

مُحْضَرُوْنَ ۝ وَاٰيَةٌ لَّهُمُ الْاَرْضُ
حاضر شدگان و نشانه مر کافران را زمین

الْمَيْتَةُ ط اَحْيَيْنٰهَا وَاَخْرَجْنَا
مرده است زنده کرده ایم آنرا و بیرون آوردیم

7

مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ
از وی دانه پس از ان دانه میخورند

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ
و آفریدیم ما در زمین بوستانهای از

نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا
خرمابنان و تاک بنان و روان کردیم در ان

مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا
از چشمهای تا بخورند

مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
از میوه آنچه مذکور شد و آنچه کرده است دستهای ایشان

أَفَلَا يَشْكُرُونَ سُبْحَانَ
آیا شکر نمیکنند پاکست

الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا
آنکه بقدرت کامله بیافرید نوعها همه آن

مِمَّا تُنبِتُ الأرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِم
از انچیزها که میرویاند زمین وراز نفسهای ایشان

وَمِمَّا لا يَعْلَمُونَ ○ وَآيَةٌ
از انچیز که نمیدانند
وعلامت دیگر

لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
مرایشانرا شب است دور میکنیم ازو روزرا

فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ○ وَ
پس انهنگام ایشان درآیند کاشند بتاریکی
و

الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ط
آفتاب میرود بقرارگاه اوراست

ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
آن رفتن او تقدیر خداوندی است غالب
بمستقر خود

الْعَلِيمِ ○ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ
دانا وماه را مقرر کردیم اورا

منازل

مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ
منزلهای او تا وقتی که گردد مانند چوب شاخ یکساله از

الْقَدِيمِ ۝ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي
خرمایان که خشک شده باشد نه آفتاب سزد

لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا
مرورا آنکه دریابد ماه را و نه

اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ
شب پیشی گیرنده است بروز وهمه کواکب

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَآيَةٌ
در فلک [illegible] میروند ونشانه دیگر

لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
مرایشان را آنست که برداشتیم بدران ایشان را در

الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ وَخَلَقْنَا
کشتی پر از مردم و بیافریدیم

لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

برای مردمان مانند کشتی آنچه سواری میکنند

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا

و اگر خواهیم که غرق سازیم اهل کشتی را پس هیچ

صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ

فریادرس نیست مر ایشان را و نه ایشان رها کرده شوند

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا

مگر آنکه ببخشیم از ما و برخورداری دهیم ایشان را

إِلَى حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ

تا وقتی که اجل ایشان برسد و چون گفته شود مر کافران را

اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

که بترسید از عذابی که پیش شما

وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ

و از عذابی که در عقب شماست شاید که بر شما

ترحمون . وما تأتيهم من

بخشند   ونيايد بديشان   هيچ

آية من آيات ربهم إلا

آيتى   از آيتهاى   پروردگار ايشان مگر

كانوا عنها معرضين . و

بودند   ازان   روى گردانيدگان   و

إذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم

چون گويند مر ايشان را   نفقه كنيد از آنچه روزى داده است

الله قال الذين كفروا

شما را خدا   گويند   آنانكه   كافر شدند بصانع

للذين آمنوا أنطعم من

مر آنها را   كه گرويده اند   آيا دهيم   آنرا كه اگر

لو يشاء الله أطعمه إن أنتم

خواستى   خدا   طعام دادن او را   نيستيد شما

الا في ضلال مبين ۝ و

مگر در گمراهی آشکارا و

يقولون متى هذا الوعد

گویند کی باشد این وعده

ان كنتم صادقين ۝ ما

اگر هستید راست گویان

ينظرون الا صيحة واحدة

انتظار نمی برند ایشان مگر یک فریاد

تاخذهم وهم يخصمون

که بگیرد ایشان را در آن وقت که بخصومت مشغول باشند

فلا يستطيعون توصية

پس نتوانند وصیت کردن بر حاضران

ولا الى اهلهم يرجعون

و نه بسوی اهل ایشان که غایب باشند باز گردند

١٥

ع

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ
و دمیده شود در صور پس انگاه ایشان

مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ
از گورها بیرون آمد بسوی پروردگار خود

يَنْسِلُونَ ۞ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ
همی شتابند گویند وای بر ما که

سکته

بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا
برانگیخت مارا از خوابگاه ما ملایکه جواب دهند اینست

وقف منزل

مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ
انچه وعده کرده بود خدا و راست گفتند

الْمُرْسَلُونَ ۞ إِنْ كَانَتْ إِلَّا
پیغامبران نبود این واقعه مگر

صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
یک نعره که نفخه اخیره است پس انگاه ایشان

جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

همه ایشان نزدیک ما حاضر شدگانند

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

پس امروز ستم کرده نشود هیچ نفسی چیزی را

وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ

و پاداش داده نشوید مگر آنچیزیرا که بودید

تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ

که میکردید بدرستیکه اصحاب

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَا

بهشت امروز در کاری باشند

كِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ

شادان و نازان ایشان و زنان ایشان

فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ

در سایهای قصرها بر تختها آراسته تکیه زدگان باشند

لهم فيها فاكهة ولهم ما

مر ايشان را در بهشت ميوه   ومر ايشان راست انچه

يدعون سلام قولا من

خواهند   تحيتي خطابي پيوسته   از

رب رحيم وامتازوا

پروردگار مهربان   وجدا شويد

اليوم ايها المجرمون

امروز   اى مشركان از مؤمنان

الم اعهد اليكم يا بني

ايا عهد نكرده ام   با شما   اي فرزندان

آدم ان لا تعبدوا الشيطان

ادم   آنكه   نپرستيد شيطان را

انه لكم عدو مبين وان

بدرستيكه او مر شما را   دشمنى است آشكارا   وآنكه

اعْبُدُونِي هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
بپرستید مرا که من دوست شمام اینست راهی راست

وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا
و بدرستی که گمراه کرد شیطان از شما خلق

كَثِيرًا اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ
بسیار آیا نیستید شما که تعقل کنید

هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ
این دوزخ است آن دوزخی که در دنیا بودید

تُوعَدُونَ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ
که وعده کرده شدید در آیید امروز

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ اَلْيَوْمَ
بسبب آنکه بودید که می پوشیدید حق را امروز

نَخْتِمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
مهر نهیم بر دهنهای ایشان و سخن گویند با ما

أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا
دستهای ایشان و گواهی دهند پایهای ایشان بانچه
كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ
بودند که در دنیا کسب میکردند و اگر
نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ
خواهم در دنیا هر آینه نابیدا کنم بر چشمهای ایشان
فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ
پس پیشی میگیرند راهی را پس چگونه ببینند
يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ
آنرا و اگر خواهم مسخ کنم ایشان را
عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا
بر جایهای ایشان تا هماجا افسرده شوند پس نتوانند
مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ
بر فتن از پیش و نتوانند باز گشتن و هر که
ع

نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ

عمر دراز دهیم برگردانیم اورا در آفرینش

اَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا عَلَّمْنَاهُ

ایا در نمی یابند و نیاموختیم محمد را

الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ اِنْ هُوَ

شعر و نشاید مرورا شعر گفتن نیست او

اِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ۝ ۸

مگر پندی وکتابی روشن

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ

تا بیم کند قران یا محمد هرکه باشد زنده و

يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

وواجب می شود کلمه عذاب بر ناگرویدگان

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا

ایا نمی بینند انرا که ما آفریده ایم برای ایشان از آنچ

عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ

کرده ایم بی واسطه مشارکت جهارپایان پس ایشان

لَهَا مَالِكُونَ ۝ وَذَلَّلْنَاهَا

مر آنرا ضبط کنندکان اند و نرم کردیم انعام از برای

لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا

ایشان پس بعضی از ایشان سواری کنند و بعضی آنست
بریشان

يَأْكُلُونَ ۝ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ

که می خورند و مر ایشان راست دران جهارپایان سودها

وَمَشَارِبُ ط أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝

و آشامیدنی ایا شکر نمیکویند

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

و فرا گرفتند بجز خدا

آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ ۝ لَا

خدایان تا شاید ایشان یاری کرده شوند ی

يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ

نتوانند يارى دادن ايشان

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ

و ايشان مربتان را سپاهى اند حاضر كرده شده يعنى بت پرستان

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّا

پس بايد كه اندوه ناك نكرد اندترا سخن ايشان همانا

نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

كه ما ميدانيم آنچه پنهان ميكنند و آنچه

يُعْلِنُونَ اَوَلَمْ يَرَ الْاِ

اشكارا ميكنند آيا نديد و ندانست

نْسَانُ اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ

آدمى كه ما آفريديم اورا از نطفه

فَاِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَ

پس آنگاه او جدال كننده است هويدا و

الكاه

ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ط

بزد برای ما مثلی و فراموش کرد افریدن ما اورا

قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ

گفت کیست که زنده کند استخوانها را

وَهِيَ رَمِيمٌ ۝ قُلْ يُحْيِيهَا

و او پوسیده و تباه گشته بود بگو زنده گرداند اورا

الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ط وَ

کسی که بیافرید او نخست بار و

هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ۝ ن

او بهمه آفریدها داناست

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ

انخدایکه بیدا کرد برای شما از درخت

الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ

سبز آتشی پس انجا شما از ان درخت

الذين توقدون ۵ اولیس الذی خلق
می افروزید ایا نیست انکسی که بیافرید

السموات والارض بقادر
آسمانها وزمین را توانا

على ان یخلق مثلهم بلى
بر انکه بیافرید مانند ایشان آری هست قادر بران

وهو الخلاق العلیم ۝ انما
واوست آفریننده بسیار خلق دانا جز این نیست

امره اذا اراد شیئا ان
کرشان او چون میخواهد آفریدن چیزی آنست

یقول له کن فیکون ۝ فسبحان
که گوید مرورا که حکم منی بباش پس بباشد پس پاکی

الذی بیده ملکوت کل شیء
انکس است که بدست اقتدار اوست پادشاهی همه چیز

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ سورة

و بسوی او بازگردیده خواهید شد

انا فتحنا مكية وهي ثمان وثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدا مهربان بخشنده

اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝

بدرستی که ما حکم کردیم برای تو حکمی بیدا

لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

تا بیامرزد مرترا خدا انچه گذشته است از گنه

ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ

موجب عتاب و انچه مانده است و تمام گرداند
تواند بود

نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا

نعمت خود را بر تو و بنماید ترا راه

مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا
راست و ياري كند خدا ياري كردن

عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ
غالب اوست آنكه فرو فرستاد آرامش

فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا
در دلها گرويدن تا زيادت كنند

إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ط وَلِلّٰهِ
گرويدني با گرويدگان ايشان و مر خدا راست

جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ط وَ
لشكرها آسمان و زمين

كَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ
هست خدا دانا صواب كار تا در آرد

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ
مردان مومن و زنان مومنه را بوستانها

تجري من تحتها الانهار

میرود از زیر منازل انها جویها

خالدين فيها ويكفر عنهم

جاوید ان در ان و ببوشد ازیشان

سيئاتهم وكان ذلك عند

بدیها ایشان و هست این وعده نزدیک

الله فوزا عظيما ويعذب

خدا رستکاری بزرگ و تا عذاب کند

المنافقين والمنافقات و

مردان منافق و زنان منافقه را و

المشركين والمشركات الظانين

مردان مشرک و زنان مشرکه که کمان برندکان

بالله ظن السوء عليهم دائرة السوء

بخدا کمان بد برین کمان برندکان گشت کردش بد

وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ

و خشم گرفت خدا برایشان و بر انداخت ایشان را و

أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

اماده کرد برای ایشان دوزخ و بد بازگشتی است دوزخ

وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

و مر خدا راست لشکرها آسمان و زمین

وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و هست خدا غالب حکم کننده

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ شَاهِدًا وَ

بدرستی که ما فرستادیم ترا گواه و

مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَ

مژده دهنده و بیم کننده برای آنکه تصدیق کنند مر خدا را

رَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ

و فرستاده او را و تقویة دهید دین او را و بزرگ دارید حکم او را

١٤

وتسبحوه بكرة واصيلا ان
وبپاکی یاد کنید اورا بامداد وشبانگاه بدرستی

الذين يبايعونك انما يبايعون
انانک بیعت کردند با تو جزین نیست که بیعت کرد

الله يد الله فوق ايديهم فمن
با خدا دست خدا زبر دستها ایشانست پس هرکه

نكث فانما ينكث على نفسه
بشکند عهد را پس جزین نیست که بشکند بر نفس خود

ومن اوفى بما عاهد عليه الله
وهرکه وفا کند بانچه عهد کرده است بان خدا

ع فسيؤتيه اجرا عظيما سيقول
پس زود بدهد مر اورا خدا مزدی بزرگ زود باشد که بگویند

لك المخلفون من الاعراب
مرترا باز پس ماندگان از بادیه نشینان

شغلتنا اموالنا واهلونا فاستغفر
مشغول کرد ما را مالها ما و زنان ما پس طلب آمرزش کن

لنا يقولون بالسنتهم ما ليس
برای ما میگویند بزبانها خود نیست

في قلوبهم قل فمن يملك
در دلهای ایشان بگو پس کیست که مالک شود

لكم من الله شيا ان اراد بكم
برای شما از حکم خدا چیزیرا اگر خواهد بشما

ضرا او اراد بكم نفعا بل كان
قهری یا خواهد بشما سودی بلک هست

الله بما تعملون خبيرا بل
خدا بآنچه میکنید دانا بلک

ظننتم ان لن ينقلب الرسول
گمان بردید نباشد که بازگردد پیغمبر

والمؤمنون

وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا
ومومنان بسوی زنان خود هرگز

وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ
واراسته شد این گمان در دلهای ایشان

وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ
وگمان بردید گمان بد وگشتید شما

قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ
گروهی هلاک شدگان وهرکه نگرود

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَا
بخدا ورسول او پس ما اماده ساخته ایم برای

فِرِينَ سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
کافران آتشی افروخته ومرخدا راست بادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ
وزمین بیامرزد گناه بزرگ هرکرا خواهد و

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ط وَكَانَ اللهُ

عذاب میکند هر کرا می خواهد وهست خدا

غَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ

آمرزنده مهربان زود باشد که بگویند بازپس ماندگان

إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا

آنگاه که بروید بسوی غنیمتها تا فراگیرید آنرا

ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ

که بگذارید مارا تا پیروی کنیم شمارا درین سفر میخواهند مخلفان

أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللهِ ط قُلْ

آنکه تغییر دهند سخن خدا بگو

لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ

پیروی نخواهید کرد مارا همچنان گفته است

اللهُ مِنْ قَبْلُ ط فَسَيَقُولُونَ بَلْ

خدا پیش از قصهٔ شما پس زود باشد که گویند ایشان

تحسدوننا

يحسدوننا بل كانوا لا يفقهون

حسد مي بريد بر ما بلک هستيد که در نمي يابند

الا قليلا ۝ قل للمخلفين من

مگر اندک چيزي بگو مر پس ماندگان را از

الاعراب ستدعون الى قوم

اهل باديه زود باشد که خوانده شويد بحرب گروهي

اولي باس شديد تقاتلونهم

خداوندان کارزار سخت کارزار کنيد با ايشان

او يسلمون فان تطيعوا يؤ

يا مسلمان شوند پس اگر فرمان بريد کسي را که خواننده شمار

تكم الله اجرا حسنا وان تتولوا

بدهد شما را خدا مزدي نيکو و اگر روي بگردانيد

كما توليتم من قبل يعذبكم

همچنان که اعراض کرديد پيش از اين عذاب کند خدا شما را

عذابا اليما ۝ ليس على الاعمى

عذابی دردناک نیست بر نابینا

حرج ولا على الاعرج حرج

گناهی ونه بر لنگ گناهی

ولا على المريض حرج و

ونه بر بیمار تنگی و

من يطع الله ورسوله يدخله

هرکه فرمان برد خدارا ورسول اورا در آرد اورا

جنات تجري من تحتها

بوستانهای که میرود از زیر منازل آن

الانهار ومن يتول يعذبه

جویها وهرکه اعراض کند از فرمان عذاب کند اورا

عذابا اليما ۝ لقد رضي الله ع

عذابی دردناک تحقیق خشنود گشت خدا

عن

عن المؤمنين اذ يبايعونك
از گرویدگان چون بیعت کردند باتو

تحت الشجرة فعلم ما في
در زیر درخت سمره پس میداند انچه در

قلوبهم فانزل السكينة
دلهاء ایشان است پس فرستاد ارامش

عليهم واثابهم فتحا قريبا
بر ایشان و پاداش داد ایشان را فتحی نزدیک

ومغانم كثيرة ياخذونها ط
و غنیمتهای بسیار فراگیرند انرا

وكان الله عزيزا حكيما و
و هست خدا غالب حکم کننده و

عدكم الله مغانم كثيرة تاخذونها
وعده داده است شما را خدا غنیمتها بسیار فرامیگیرید انرا تا قیامت

فعجل لكم هذه وكف ايدي

پس تعجیل نقد داد مر شمارا این غنیمت وباز داشت دستها

الناس عنكم ولتكون اية

مردمان از شما وتا باشد آن غنیمت نشانه

للمؤمنين ويهديكم صراطا

مر مؤمنان را ونماید شمارا راه

مستقيما ۞ وأخرى لم تقدروا

راست وعده دیگر که قادر نشده اید

عليها قد احاط الله بها وكان

بران بدرستی که احاطه کرده است علم خدا بآن وهست

الله على كل شيء قديرا ۞ ولو

خدا بر همه چیزی توانا واگر

قاتلكم الذين كفروا لولوا

قتال کردندی باشما آنانکه کفر ورزیدند هر اینه برگردانیدندی

الادبار

الادبار ثم لا يجدون وليا ولا

بشتها پس نيابند ايشان كارسازى و نه

نصيرا ۝ سنة الله التي قد خلت

ياري سنت نهاد خدا سنت نهادنى ان سنتى كه گذشته است

من قبل ولن تجد لسنة الله

پيش ازين و نيابى تو مر سنت خدا را

تبديلا ۝ وهو الذي كف ايديهم

تبديلى و اوست آن خداى كه باز داشت دستهاى ايشان

عنكم وايديكم عنهم

از شما و دستهاى شما از ايشان

ببطن مكة من بعد ان

در وادي مكه پس از آنكه

اظفركم عليهم وكان الله بما

ظفر داد شما را بر ايشان و هست خدا بانچه

تعملون بصيرا ۝ هم الذين

میکنید بینا ایشان آنانند

كفروا وصدوكم عن المسجد

کافر شدند و باز داشتند شما را از مسجد

الحرام والهدى معكوفا ان

حرام و منع کردند هدی را در حالت که باز داشته شده بود

يبلغ محله ولولا رجال مؤمنون

از آنکه برسد بجای او و اگر نبودندی مردان گرویده

ونساء مؤمنات لم تعلموهم

و زنان گرویده ندانسته اید ایشان را

ان تطؤهم فتصيبكم منهم

که شما ایشان را در آثار قتال بس میرسید از جهت هلاکی ایشان
سیعبر کردندی یعنی هلاک کردندی

معرة بغير علم ليدخل الله

مکروهی بیدانش تا در آرد خدا

في

فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ط لَوْ تَزَيَّلُوا

در رحمتش خود هرکه را خواهد ؛ اگر جدا شدندی

لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

هرآینه عذاب میکردیم آنان را که کافر شدند ازیشان

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ

عذابی دردناک یاد کن ای محمد چون گردند و آوردند آنانکه

كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

کفر ورزیدند در دلهای ایشان تعصب و تکبر حمیت

الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

جاهلیت پس فرو فرستاد خدا آرام و وقار خود را

عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ

بر رسول او و بر گرویدگان و پایسته داشت خدا مومنان را

كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ

بر کلمه تقوی و هستند مومنان سزاوار

بها واهلها وكان الله بكل

بدان واهل آن وهست خدا بهمه

شيء عليما ۝ لقد صدق الله رسوله

چیزی دانا هرآینه راست کرد خدا برای رسول خود

الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد

الخواب را براستی هرآینه درآیید شما بمسجد

الحرام ان شاء الله آمنين محلقين

حرام اگر خواهد خدا در حالی که ایمن باشید تراشندگان

رءوسكم ومقصرين لا تخا

سرها خود را وچیدگان موی سر

فون فعلم ما لم تعلموا فجعل

نترسید پس بداند خدا آنچه شما ندانید پس ساخت برای

من دون ذلك فتحا قريبا

پیش از آن فتحی نزدیک

هو

هُوَ الَّذِيْ اَرْسَلَ رَسُوْلَهُ بِالْهُدٰى

اوست آن خدای که فرستاده رسول خود را برای راه نمودن

وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّيْنِ

و دین درست تا غالب کرداند آن دین را

كُلِّهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا

بر همه دینها و بسنده است خدا گواه بر نبوه تو

مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ

محمد رسول خداست و آنانک با وی اند

اَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

سخت دل اند بر کفار مهربان یکدیگر

تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُوْنَ

می بینی ایشان را رکوع ارندگان سجده کنندگان امید طلبند این بزرگان

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ

فضلی از خدا و خشنودی علامتهای ایشان

في وجوههم من اثر السجود

در رویهای ایشان از اثر سجده کردن

من اثر ال ذلك مثلهم في

این وصف مذکوره صفت ایشانست در

التورية ومثلهم في الانجيل

توریة وصفت ایشانست در انجیل

كزرع اخرج شطاه فازره فا

مانند کشتی است بیرون آرد شاخ خود را پس قوی گرداند

ستغلظ فاستوى على سوقه

پس سطبر شود پس بایستد بر ساقهای خود

يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار ط

بشگفت آرد مزارعان را تا خشم گیرند بیاران پیغمبر کافران

وعد الله الذين امنوا وعملوا

وعده کرد خدا آنانرا که گرویده اند و کرده اند

الصالحات

الصّالحات منهم مغفرة واجرا
کارها ستوده ازیشان آمرزش گناه ومزدی

عظيما سورة الرحمن ثمان وسبعون آية
بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدا مهربان بخشنده

ع

الرحمن علّم القرآن خلق
خداوند بسیار بخشایش بیاموخت قرآن مر حبیب خود را بیافرید

الانسان علّمه البيان
آدمی را بیاموخت ایشان را روشن گردن

الشمس والقمر بحسبان والنجم
آفتاب وماه میروند بحسابی معلوم وگیاه بی ساق

والشجر يسجدان والسماء
وگیاه باساق زمان برند خدا را وآسمان را

٧ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۝
برداشت رحمان و بیاورید ترازو را

٨ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝
برای آنکه از حد در مگذرید در ترازوی

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ
و بپای دارید سنجیدن را بعدل

وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ
و کم مکنید میزان را و زمین را

وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ
بگسترانید برای آدمیان در زمین انواع میوه است

۝ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ
و خرمابنان خداوند غلاف

۝ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ
و دار ضعیف دانه است خداوند برگ و ریحان

فبای

۲۵ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بکدام از نعمتهای رب خود تکذیب میکنید ای آدمیان و پریان

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ

بیافرید آدم را از گل خشک

كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ

مانند سفال و بیافرید جان را

مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ فَبِأَيِّ

از زبانه صافی بی دود از آتش پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ رَبُّ

از نعمتهای خداوند خود دروغ میگوئید آفریدگار

الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

دو مشرق و آفریدگار دو مغرب

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

مرج البحرين يلتقيان بينهما

راه داد دو دریا را تا یکدیگر میرسند میان هر دو دریا

برزخ لا يبغيان فبأي

پرده است فزون نمی خواهند بر یکدیگر پس بکدام

آلاء ربكما تكذبان يخرج

از نعمتها خداوند خود دروغ می ورزید بیرون می آید

منهما اللؤلؤ والمرجان

از این دو دریا مروارید کلان و مروارید ریزه

فبأي آلاء ربكما تكذبان

پس بکدام از نعمتها رب خود دروغ میدارید

وله الجوار المنشآت في البحر

و مر خدا راست کشتیها نو برفتن آورده در دریا

كالأعلام فبأي آلاء ربكما

مانند کوهها پس بکدام از نعمتها خدای خود

تكذبان

ع

تُكَذِّبَانِ ۝ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

تکذیب میکنید هر کس که بر سر زمین است زود نی الروح هالک

وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ

باقی ماند ذات پروردگار تو خداوند بزرگی

وَالْإِكْرَامِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

و گرامی پس کدام از نعمتهای رب خود را

تُكَذِّبَانِ ۝ يَسْأَلُهُ مَن فِي

تکذیب میکنید میخوانند او را هر که در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ

آسمان است و در زمین هر همه وقت او

هُوَ فِي شَأْنٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

در ساختن کاری است پس کدام از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ سَنَفْرُغُ لَكُمْ

پروردگار خود دروغ میگوئید زود باشد که حساب کنیم شما

أَيُّهَا الثَّقَلَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ

ای دو گروه بزرگ پس بکدام از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يَا مَعْشَرَ

پروردگار خود دروغ می ورزید ای گروه

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ

پریان وآدمیان اگر توانید

أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ

انکه بیرون روید از کنارهای آسمانها

وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ

وزمین پس بیرون روید بیرون نتوانید

إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ

مگر بقهر دان شما راقوة نیست پس بکدام از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ

خداوند خود تکذیب میکنید فرستاده شود

عليكما

عليكما شواظ من نار و
بر شما فرستاده شود زبانه خالص از آتش و

نحاس فلا تنتصران
دود سیاه پس نصرت نتوانید کرد

فبای آلاء ربکما تکذبان
پس بکدام از نعمتهای خداوند خود دروغ میکنید

فاذا انشقت السماء فکانت
پس چون بشکافد آسمان پس سرخ

وردة کالدهان فبای آلاء
مانند ادیم احمر پس بکدام از نعمتها

ربکما تکذبان فیومئذ لا
پروردگار خود تکذیب مینمایید پس امروز

یسأل عن ذنبه انس ولا
پرسیده نشود از گناه او آدمی و نه

جانّ فبأيّ آلاء ربّكما

پرى پس بكدام از نعمتهاء پروردگار خود

تكذّبان يعرف المجرمون

تكذيب ميكنيد شناخته مى شوند گناهكاران

بسيماهم فيؤخذ بالنواصي

بعلامت ايشان پس فرا گرفته شوند بمويهاء پيشانى

والأقدام فبأيّ آلاء ربّكما

و بقدمهاى پس بكدام از نعمتهاى پروردگار خود

تكذّبان هذه جهنّم التي

دروغ ميشماريد اين دوزخ آنست

يكذّب بها المجرمون يطوفون

كه تكذيب ميكردند بآن مشركان طواف ميكنند

بينها وبين حميم آن

دوزخيان ميان دوزخ و ميان آبى گرم گرمى بنهايت رسيده

فبأي

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود دروغ می ورزید

ع وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ

و برای کسی که بترسد از استادن پیش خدا

جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دو بهشت پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

تکذیب میکنید دو بوستان اند خداوند شاخها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس از نعمتهای پروردگار خود دروغ میکنید

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

دری دو باغ دو چشمه میروند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بکدام از نعمتهای آفریدگار خود دروغ مینمایید

فِيهِمَا مِن كُلِّ فَاكِهَةٍ

درين دو چشمه از هر میوه

زَوْجَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دو صنف پس بکدام از نعمتهای خداوند خود

تُكَذِّبَانِ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ

دروغ می ورزید تکیه کنندگان باشند بر

فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ

فرشها که آستران از دیبای

وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ۝ فَبِأَيِّ

و میوه درختان این دو بهشت نزدیکست پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِنَّ

از نعمتهای آفریدگار خود تکذیب میکنید درین

قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ

قصورهای دو بهشت کوتاه چشمان اند نسوده باشند

ربع

انس

انس قبلهم ولا جان ۝
آدمیان پیش از دواج ونه جنیان

فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
پس بکدام از نعمتهای رب خود را تکذیب می ورزید

كأنهن الياقوت والمرجان ۝
گویا هستند آن حوران یاقوت ومروارید

فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
پس بکدام از نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید

هل جزاء الاحسان الا الاحسان ۝
ایا جزاء نیکی کردن در عمل باشد

فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
پس بکدام از نعمتها پروردگار خود دروغ می ورزید

ومن دونهما جنتان ۝
وبجز این دو بوستان مذکور دو بوستان است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پس بکدام از نعمتهای خداوند خود تکذیب مینمائید

مُدْهَامَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
در بهشت سبز از بسیاری سبزی پس بکدام از نعمتها
بسیاری زننده

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا
رب خود تکذیب مینمائید درین دو بهشت

عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ فَبِأَيِّ
دو چشمها باشد جوشنده بآبی پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا
از نعمتها پروردگار خود دروغ می ورزید درین دو بهشت

فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ
میوه بسیار و خرمابان و انار

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

فیهما

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ
دریں چهار جنت برگزیده باشند نیکو رویان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پس بکدام از نعمتها پروردگار خود تکذیب میکنید

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ
حوران پنهان شده در خیمها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
پس بکدام از نعمتها رب خود تکذیب می نمائید

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا
پس نسوده است ایشانرا هیچ آدمی پیش از ایشان و نه

جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
جنیان پس بکدام از نعمتها رب خود رفع زن می شوید

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ
تکیه زنندگان باشند بر فرشها سبز و

عبقري حسان فبأي آلاء

ب طهاء قيمتى بس بكدام از نعمتها

ربكما تكذبان تبارك اسم

خداوند خود دروغ مى نماييد بزرگست نام

ربك ذى الجلال والاكرام

پروردگار خود خداوند بزرگى وكرم

سورة الواقعة ست وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا مهربان بخشاينده

اذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها

چون واقع شود قيامت نيست در واقع شدن آن

كاذبة خافضة رافعة

دروغى فرو برنده بردارنده

اذا رجت الارض رجا و

چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی و

بست الجبال بسا ۝ فكانت

رانده شود کوهها راندنی پس باشد

هباء منبثا ۝ وكنتم ازواجا

غباری پراکنده وباشید اصناف

ثلثة ۝ فاصحاب الميمنة

سه گانه پس اصحاب دست راست

ما اصحاب الميمنة ۝ واصحاب

چه اند اصحاب دست راست واصحاب

المشامة ما اصحاب المشامة ۝

دست چپ چه اصحاب دست چپ

والسابقون السابقون اولئك

و پیشی گرفتگان پیشی گرفتگان اند آن گروه

الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

نزدیک گردانیده شدگان در بوستانها نعمت

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِنَ

گروهی بیشتر از پیشینیان و اندکی از

الْآخِرِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ

پسینیان بر تختها بافته بزر و مشک

مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ يَطُوفُ

تکیه زدگان بران برابر یکدیگر میگردند

عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ

بر ایشان کودکان جاوید ماندگان بکوزه

وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ

و ابریقها و جامها از شرابی

لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ

درد سر نکشند ازان و نه بیهوش شوند

وفاكه

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَ

و میوه از آنچه اختیار کنند و

لَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَ

گوشت مرغان از آنچه آرزو میکنند و

حُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ

زنان سفید روی گشاده چشمان مانند مروارید

الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا

پوشیده پاداش میدهیم ایشان را بسبب آنچه بودند

يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

که میکردند نشنوند در بهشت

لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا

سخنان بیهوده و نه سخن موجب گناه لیکن می‌شنوند سلاما

سَلَامًا ۝ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ

سلاما و اصحاب دست راست

الیمین ما اصحاب الیمین فی
راست چه اند اصحاب دست راست در زیر

سدر مخضود وطلح منضود
درخت کنار بی خار و درخت موز میوهای آن درهم چیده

درخت
بیر

وظل ممدود وماء مسکوب
وسایه کشیده و آب ریزان

وفاکهة کثیرة لا مقطوعة
ومیوه بسیار نه بریده شده

ولا ممنوعة وفرش مرفوعة
ونه منع کرده شده وگستردنیها برداشته شده

انا انشأناهن انشاء فجعلناهن
بدرستی که ما بیافریدیم بی سبب و ولادت زنان دنیا را پس گردانیدیم ایشان را

ابکارا عربا اترابا لاصحاب
دختران دوشیزه دوستدار همزادان برای یاران

الیمین

ع

الْيَمِينِ ۝ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝
دست راست گروهی اند از پیشینیان

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ۝ وَأَصْحَابُ
وگروهی از پسینیان و یاران

الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝
دست چپ چه اند یاران دست چپ

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن
در آتش سوزان و آبی گرم و سایه از

يَحْمُومٍ ۝ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝
دود سیاه نه خنک و نه سود رساننده

۝ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ
بدرستی که ایشان بوده اند پیش ازین بناز و نعمت

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ
و بودند که اصرار می نمودند بر گناه

الْعَظِيمِ ۝ وَكَانُوا يَقُولُونَ
بزرگ   و بودند   که میگفتند

أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا
آیا وقتی که بمیرم   و گردیم خاک   و استخوانها

أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ أَوَآبَاؤُنَا
آیا برانگیختگانیم از قبرها   آیا پدران

الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ
پیشینیان ما بر مبعوث شوند بگو ای محمد بدرستی که پیشینیان

وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ
و پسینیان   هر آینه جمع کرده شدگانند برای

مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ
وقتی مقرر شده   از روز معلوم که قیامت است   پس بدرستیکه

أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ
ای گمراهان   از راه حق   تکذیب کنندگان

لآكلون

لآكلون من شجر من زقوم

هر آینه خورندگانید   از درخت   از زقوم است

فمالئون منها البطون فشاربون

پس پر کنندگان باشند از آن شکمها را   پس آشامندگان

عليه من الحميم فشاربون

بر بالای زقوم   از آب گرم   پس آشامندگان اند

شرب الهيم هذا نزلهم يوم

مانند آشامیدن شتران   این ماکول   پیشکش ایشان است
تشنگی زده   و مشروب

الدين نحن خلقناكم فلولا

ع

در روز جزا   ما   آفریدیم   شما   پس چرا

تصدقون أفرأيتم ما تمنون

باور نمیدارید   خبر دهید از آبی که میریزید   در رحم زن

أأنتم تخلقونه أم نحن

آیا شما می آفرینید کودکان را   یا   ماییم

الخالقون ۝ نحن قدرنا
آفریدگاران ما تقدیر کردیم

بینکم الموت وما نحن بمسبوقین
میان شما مرگ را ونیستیم ما پیشی گرفته شده

علی أن نبدل أمثالکم و
برای آنکه تبدیل کنیم از شما کسان را که مانند شما اند و

ننشئکم فیما لا تعلمون ۝
بیافرینیم شما را دیگر بار در صورتی که نمیدانید

ولقد علمتم النشأة الأولی
وبدرستی که دانسته اید شما آفرینش نخستین را

فلولا تذکرون ۝ أفرأیتم ما
پس چرا یاد نمیکنید اخبار نمایید از آنچه

تحرثون ۝ أأنتم تزرعونه
کشت نمایید آیا شما می رویانید آنرا

أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَآءُ

یا ما رویاننده ام اگر خواهم

لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ

هر آینه گردانم آنرا درهم شکسته پس همه روز باشید

تَفَكَّهُونَ ۝ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝

شگفته مانند با اندوهناک شوید بدرستی که ما غرامت یافتگانیم

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ

بلک ما بی بهرگانیم از روزی خبر دهید

الْمَآءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ ءَأَنْتُمْ

از آبی که می آشامید از برای تسکین تشنگی آیا شما

أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ

فرو فرستاده اید از ابر سفید یا

نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَآءُ

ما فرو فرستادگانیم آبی شریف اگر خواهم

جعلناه اجاجا فلولا تشكرون
گردانیم ان ابرا تلخ و شور پس چرا شکر نمیگویید

افرايتم النار التي تورون ءانتم
اخبار کنید از اتشی که بیرون می آرید ایا شما

انشاتم شجرتها ام نحن
بیا فریده اید درخت اتش را یا ما

المنشئون نحن جعلناها
افریننده ایم ما گردانیدیم انرا

تذكرة ومتاعا للمقوين
یاد کردنی و برخورداری مر مسافران را و مقیمان را

فسبح باسم ربك العظيم
پس تسبیح گوی بنام پروردگار خود بزرگوار

فلا اقسم بمواقع النجوم
پس سوگند یاد میکنم بمواقع النجوم قرانی

و انه

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ

وبدرستیکه این هر آینه سوگند خورد اگر دانی

عظیم ۝ إنه لقرآن کریم

بزرگ بدرستیکه هر آینه قرآن است بزرگوار

في کتاب مکنون ۝ لا یمسه

در کتابهای پوشیده نساید لوح را

إلا المطهرون ۝ تنزیل من

مگر پاکیزگان قرآن فرو فرستاده شده است از

رب العالمین ۝ أفبهذا الحدیث

پروردگار عالمیان ایا بدین سخن که قرآنست

أنتم مدهنون ۝ وتجعلون

شما ناگرویدگانید و می سازید

رزقکم أنکم تکذبون ۝

بهره خود را انکه تکذیب کنید فرو[?]

فلولا إذا بلغت الحلقوم وأنتم حینئذ

پس چرا چون برسد روح ضبر گلو در وقت مرگ و شما انهنگام

تنظرون ونحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون

نگرید بمیت و ما نزدیکتریم بوی از شما ولیکن نمی بینید

فلولا ان كنتم غير مدينين

پس چرا اگر هستید غیر جزا داده شدگان در قیامت

ترجعونها ان كنتم صادقين

باز گردانید روح را بجسد اگر هستید راست گویان

فاما ان كان من المقربين

پس اگر باشد متوفی از نزدیک گردانیده شدگان

فروح وريحان وجنت

پس مر او راست راحت و روزی جاودانی و بهشت

نعيم واما ان كان من

پر نعمت و اما اگر باشد آن متوفی از

اصحاب اليمين فسلام لك

یاران دست راست پس سلامت ترا ای گر

من اصحاب اليمين واما

... از اصحاب دست راست و اما

ان

إن كان من المكذبين ٧

اگر باشد و رده از تکذیب کنندگان

الضالين ٨ فنزل من حميم

از گمراهان پس مرورانست در قبر از آبی گرم کرده در دوزخ

وتصلية جحيم ٩ ان هذا لهو

و در آوردن روز قیامت باتش سوزان بدرستی که اینچ گفته شد در آیة آن

حق اليقين ١٠ فسبح باسم

حق و یقین است پس تسبیح گوی بنام

ربك العظيم ١١

پروردگار خود بزرگ خویش

سورة الجمعة احدى عشر آية

ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا مهربان بخشاینده

سبح لله ما في السموات وما

تسبیح گفت مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه

فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

در زمینهاست بادشاه باک از عیب

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ هُوَ الَّذِي

ارجمند محکم کار اوست آنکسی که

بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

برانگیخت در میان امیان فرستاده در میان امیان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ

میخواند بر ایشان آیتهای کلام خدا و باک میسازد

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

و می آموزاند ایشان را کتاب واحکام شریعت

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

و بدرستی که بودند پیش از بعثت پیغمبر در

ضَلَالٍ مُبِينٍ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ

گمراهی هویدا و دیگر مبعوث ساخت در میان

دیگران از مؤمنا

لما

لمّا يلحقوا بهم ط وهو العزيز

نرسيده اند باانكه سابقان اند وخدا غالب است

الحكيم ۝ ذلك فضل الله

خداوند حكمت اين نبوة افزونى كرم خداست

يؤتيه من يشاء ط والله ذو

ميدهد انرا هركرا خواهد وخداوند

الفضل العظيم ۝ مثل

فضل بزرگ است مثل

الذين حمّلوا التورية ثم لم

انانكه تحميل كرده شده اند توريه را پس نبرند

يحملوها كمثل الحمار يحمل

داشتند ان بار را همچو مثل درازگوش است كه بردارد

اسفارا ط بئس مثل القوم الذين

از كتابها علم بد مثل است گروه بيهوده اهانك

كذبوا بآيات الله ط والله لا يهدي

تکذیب کردند حجتهای خدارا و خدای راه نمی نماید

القوم الظالمين ۝ قل يا ايها

گروه ستمکاران را بگو ای

الذين هادوا ان زعمتم

انانکه دین یهود دارند اگر گمان برید

انكم اولياء لله من دون

انکه شما دوستانید مر خدارا بدون مردمان

الناس فتمنوا الموت ان كنتم

از عرب و عجم پس آرزو برید مرگ را اگر هستید

صادقين ۝ ولا يتمنونه ابدا

راست گویان وحال انکه یهود تمنا نبرند مرگ را هرگز

بما قدمت ايديهم ط والله عليم

بسبب انچه پیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا دانا

بالظالمين

بالظالمين قل ان الموت

بستمکاران مکو ای محمد بدرستی که مرگ

الذی تفرون منه فانه ملاقيکم

آن مرگی که میکریزید ازوی بس تحقیق که او رسنده است بشما

ثم تردون الی عالم الغيب

بس بازگردانیده شوید بسوی دانا به نهان ع

والشهادة فينبئکم بما کنتم

واشکارا بس خبر دهد شمارا بانچه هستید

ع تعملون يا ايها الذين امنوا

که عمل میکنید ای آنانکه کرویده اید

اذا نودی للصلوة من يوم

چون ندا داده شوید برای نماز از روز

الجمعة فاسعوا الی ذکر الله

جمعه بس بشتابید بسوی یاد کردن خدا که نماز است و خط

وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ

وبگذارید خرید وفروخت را آن سعی وترک بیع بهترست شمارا

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَاِذَا

اگر هستید که بدانید پس چون

قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي

گذارده شود نماز پس پراکنده شوید در

الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ

زمین وبجوئید از فضل

اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ

خدا ویاد کنید خدارا بسیار تا شاید که شما

تُفْلِحُونَ وَاِذَا رَاَوْا تِجَارَةً

رستگار شوید وچون ببینند بازرگانی

اَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا اِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ

یا بشنوند آواز طبلی متفرق گردند بسوی آن وبگذارند ترا

٨.

قائما قل ما عند الله خير من

ایستاده بگو آنچه نزدیک خداست بهترست از
بر منبر

اللهو ومن التجارة والله

استماع لهو وز طمع تجارت و خدا

خير الرازقين سورة الملك ثلثون آية

بهترین روزی دهندگانست

ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا مهربان بخشاینده

تبارك الذي بيده الملك وهو

بزرگ و برترست آنکسی که بدست قدرة اوست بادشاهی و او

على كل شيء قدير الذي

بر همه چیزها تواناست . آنخداوندی

خلق الموت والحيوة ليبلوكم

که بیافرید مرگ و زندگانی را تا بیازماید شمارا

أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ
کدام از شما نیکو تر از جهة عمل واو

الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝ الَّذِي خَلَقَ
غالبست آمرزنده آنخداوند که بیافرید

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۝ مَا تَرَىٰ
هفت آسمان طبقه طبقه نمی بینی تو ای محمد

فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ
در آفریدن خدا مر آسمان را هیچ خللی و اختلافی

فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ
پس بازگردان چشم را بسوی آسمان هیچ می بینی از

فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ
شکافی و نقصانی پس بازگردان دیده

كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ
سر بعد کرتی بازگردد بسوی تو چشم تو

خاسئا وهو حسير ۝ ولقد زينا

دور از یافتن عیب و او مانده بود از نگریستن و بدرستی که بیاراستیم

السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها

آسمان دنیا را بچراغهایی از ستارگان و کردانیدیم ستارگان را

رجوما للشياطين واعتدنا

رانندگان مردیوان را و آماده ساخته ایم

لهم عذاب السعير ۝ وللذين

برای ایشان عذاب آتش افروخته و مرآنان راست

كفروا بربهم عذاب جهنم

که کافر شدند به پروردگار خویش عذاب دوزخ

وبئس المصير ۝ اذا القوا فيها

و بد جای بازگشتی است چون درافکنده شوند کافران در جهنم

سمعوا لها شهيقا وهي تفور

بشنوند در دوزخ آوازی مانند آواز درازگوش و او می جوشد

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا

نزدیک است که پاره پاره شود دوزخ از خشم کافران هرگاه که

أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا

در افکنده شوند در دوزخ گروه از اهل ترک سوال کنند این را خازنان دوزخ

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ

آیا نه آمد بشما بیم کننده گویند آری بدرستی که

جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا

آمد بما بیم کننده پس دروغ نمودیم ما قول او را و گفتیم

نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

فرو نفرستاده است خدا هیچ چیز نیستید شما مگر

فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَقَالُوا لَوْ

در گمراهی بزرگ و گویند کافران که در دنیا

كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

اگر ما بودیم که می شنودیم یا فهم میکردیم نبودیم امروز در اهل

أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا

اهل دوزخ پس اقرار کنند

بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

بگناه خویش پس دوری باد از رحمت مر یاران دوزخ

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

بدرستی آنانکه بترسیدند از عذاب پروردگار خود

بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بپوشیدگی مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا

و پنهان سازید سخن خود را درباره پیغمبر یا آشکارا کنید

بِهِ ط إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

مر او را بدرستی که خدا میداند با بچه در سینهای شماست

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ط وَهُوَ اللَّطِيفُ

آیا نداند آنچه در دلهاست آنکس که بیافرید دلهارا و او داناست

ض

الخبير ۝ هو الذي جعل لكم الار
اوست خداوندی که کرد ایند برای شما زمین را

ذلولا فامشوا في مناكبها و ع
نرم پس بروید در اطراف آن و

كلوا من رزقه ط واليه
بخورید از روزی خود و بسوی اوست

النشور ۝ ءامنتم من في السماء
بازگشت شما آیا ایمن شدید ای کافران از آنکس که در آسمانهاست

ان يخسف بكم الارض فاذا
آنکه فرو برد شما را بزمین پس انگاه

هي تمور ۝ ام امنتم من في السماء
زمین را میکردم اضطراب آیا ایمن شدید کنان بع را از آنکه در آسمانهاست عرش

ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون
آنکه فرو فرستد بر شما سنگ ریزه پس بدانید که

کیف

كيف نذير ۝ ولقد كذب
چگونه بود بیم کردن من   و بدرستی که تکذیب کردند

الذين من قبلهم فكيف كان
آنانکه پیش کفار این زمان پس چگونه بود بر ایشان

نكير ۝ اولم يروا الى الطير
عقوبت من   آیا نمیدانند   بسوی مرغان

فوقهم صافات ويقبضن
زبر ایشان در هوا صفها بر کشیده میکشند بالها خود را

ما يمسكهن الا الرحمن ط انه
نگاه نمیدارد ایشان را در هوا مگر خدا   بدرستی که خدا

بكل شيء بصير ۝ امن هذا
بهمه چیزها بینا است   آیا کیست که

الذي هو جند لكم ينصركم
که او مدد کار است مر شما را   یاری میدهد

وقف من
فراهم آرند

مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ إِنِ

بجز خدا نیستند

الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

ناگرویدگان مگر در فریب

أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ

ایا کیست که این آنکس است که روزی میدهد شمارا
اشارة توان کرد بدو

إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي

اگر باز گیرد خدا روزی خود از شما بلکه ستیز کردند در

عُتُوٍّ وَنُفُورٍ أَفَمَنْ يَمْشِي

عناد و رمندگی ایا کسی که میرود سرفرو

مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ

افگنده بر روی خود راه یافته تراست ایا کسی که

يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

میرود راست بر راهی راست راست

قل هو الذي انشاكم وجعل
بگو او آنکس است که بیافرید شما را
و بداد

لكم السمع والابصار والا
شما را شنوائی و دیدها را و

فئدة قليلا ما تشكرون ۝
ذلها را اندک شکر میگوئید مرین نعمتها را

قل هو الذي ذراكم في الارض
بگو خدا آنخدای است پراکنده ساخت شما را در زمین

واليه تحشرون ۝ ويقولون
و بسوی او باز گردیده خواهید شد و میگویند مشرکان

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝
کی باشد این وعده حشر اگر هستید راست گویان

قل انما العلم عند الله وانما انا
بگو جزین نیست که دانش قیامت نزدیک خداست و جزین نیست ام

نذير مبين فلما رأوه زلفة

بيم كننده ام آشكارا پس هنگام ببينند موعود را نزديك

خود

سيئت وجوه الذين كفروا

بد كرده و زشت شود رويها آنانك كافر شدند

وقيل هذا الذي كنتم به

وگفته شود اين آنست كه بوديد كه بدان

تدعون قل أرءيتم إن أهلكني

تمنا ميكرديد بگو خبر دهيد مرا اگر هلاك كردم

الله ومن معي أو رحمنا فمن

خدا وآنرا كه با منند يا بخشد بر ما پس كيست

آنكه

يجير الكافرين من عذاب

زينهار دهد كافران از عذاب

أليم قل هو الرحمن آمنا به

درد ناك بگو او خدا گرويديم بدو

و عليه

وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ

وبرو توكل كرديم بس زود بود كه بدانيد كيست انكه

هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قُلْ

او از ما شما در كمراهي اشكارا بكو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا

خبر دهيد مرا اكر كردد آب شما فرو رفته

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

بس كيست انكه بيارد براي شما آبي جاري

سورة النوح مكية وهي عشرون آية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا مهربان بخشاينده

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ

بدرستي كه ما فرستاديم نوح را بسوى قوم او كه

أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ
بیم کن گروه خودرا پیش از انک

يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ يَا قَوْمِ
بیاید بدیشان عذابی دردناک گفت نوح ای گروه من

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ أَنِ
بدرستی که من شمارا بیم کننده ام اشکارا انکه

اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ
پرستید خدارا و بترسید از عقوبت و فرمان بریدم

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ
بیامرزد خدا مر شمارا از گناهان شما

وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ
وباز پس دارد شمارا تا وقتی نام برده بدرستی که

أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ
مدتی خدای چون بیاید باز پس افکنده نشود اگر هستید

تعلمون

تعلمون ۝ قال رب انی
که بدانید گفت ای پروردگار من بدرستی که

دعوت قومی لیلا ونهارا فلم
من خواندم قوم خودرا شب وروز پس

یزدهم دعاءی الا فرارا ۝ و
نیفزود ایشانرا خواندن من مگر گریختن و

انی کلما دعوتهم لتغفر لهم
بدرستی که من هرگاه که خواندم ایشانرا تا تو بیامرزی ایشانرا

جعلوا اصابعهم فی آذانهم
درآوردند انگشتهای خودرا در گوشهای خود

واستغشوا ثیابهم واصروا
و سر درکشیدند جامهای خودرا و ایستادند بر کفر

واستکبروا استکبارا ۝ ثم انی
و سرکشی کردند سرکشی کردنی پس بدرستی که من

دعوتهم جهارا ثم انی اعلنت
دعوت کردم ایشانرا آشکارا پس تحقیق من آشکارا کردم

لهم واسررت لهم اسرارا فقلت
مر ایشانرا وبراز نیز گفتم ایشانرا رازگفتنی پس گفتم

استغفروا ربکم انه کان
آمرزش طلبید از پروردگار خود بدرستی که خداهست

غفارا یرسل السماء علیکم
آمرزنده بفرستد ابررا بر شما

مدرارا ویمددکم باموال
بارانیدنی پی در پی و مدد دهد شمارا بمالهای

وبنین ویجعل لکم جنات
وپسران وبدهد مرشمارا بوستانهای

ویجعل لکم انهارا مالکم
وبدهد مرشمارا جویهای آب چیست شمارا

لَا تَرْجُونَ لِلّٰهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ

که امید ندارید مر خدا را بزرگواری وحال آنکه

خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا

بیافریده است شما را گونه گونه آیا نمی بینید

كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ

که چگونه بیافرید خدا هفت آسمان

طِبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ

طبقه بربالای طبقه وگردانید ماه را درمیان ازیشان

نُورًا ۝ وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا

روشنی وگردانید آفتاب را سراج

وَاللّٰهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

وخدا برویانید شما را از زمین

نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ

رستنی پس بازخواهد برد شما را در زمین وبیرون آرد شما را از قبر

اخراجا ۝ والله جعل لكم
بیرون اوردنی و خدا کرد ایند برای شما

الارض بساطا لتسلكوا منها
زمین را فرشی گسترده تا میروید از زمین

سبلا فجاجا ۝ قال نوح رب ع
راههای گشاده گفت نوح ای پروردگار من

انهم عصونی واتبعوا من
بدرستی که ایشان عاصی شدند در من و پیروی کردند انرا

لم یزده ماله وولده الا
که زیادة نکرد او را مال او و فرزند او و مگر

خسارا ۝ ومکروا مکرا
زیانکاری و مکر کردند بزرگان قوم مکر

کبارا ۝ وقالوا لا تذرن
بزرگ و گفتند بازمدارید

آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا
از عبادة خدایان خود ونگذارید ود را

وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَ
ونه سواع را ونه یغوث را ونه

يَعُوقَ وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ أَضَلُّوا
یعوق را ونه نسر را وحال آنکه گمراه کردند قوم یا این بتان

كَثِيرًا ۝ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ
بسیاری را ومیفزای بار خدایا ستمکاران را

إِلَّا ضَلَالًا ۝ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ
مگر هلاک وعذاب از برای گناهان قوم نوح

أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ
غرق شدند بطوفان پس در آورده شدند بآتش پس

يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ
نیافتند برای خود بجز خدا

أَنْصَارًا ۞ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا

یاران وگفت نوح ای پروردگار من

تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ

بگذار بر زمین از کافران

دَيَّارًا ۞ إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ

دور کننده بدرستی که تو اگر بگذاری ایشان را

يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا

گمراه کنند بندگان ترا ونزایند مگر

فَاجِرًا كَفَّارًا ۞ رَبِّ اغْفِرْ لِي

فجور کننده ناسپاس ای پروردگار من بیامرز مرا

وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ

و بر پدر و مادر مرا و هر کسی که درآید بخانه من

مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

در حالی که مؤمن بود و مردان مومنان و زنان مومنات را

۲۸ ولا تزد الظالمين الا تبارا

ومیفزای مر ستمکاران را مگر هلاکی

سورة المزمل مكية وهي ثمان عشرون آية

ع بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا بخشاینده مهربان

يا ايها المزمل قم الليل الا

ای گلیم در خود پیچیده برخیز شب مگر

قليلا نصفه او انقص منه

اندکی از شب نیم شب را یا کم کن از نیم شب

قليلا او زد عليه ورتل

اندکی یا زیاده کن بر نیمه و بتانی و ترده خوان

القرآن ترتيلا انا سنلقي عليك

قرآن را روشن کردنی بدرستی که زود باشد که وحی کنیم بر تو

قولا ثقيلا ۝ إن ناشئة الليل
سخنی گران — بدرستی عبادتی که ناشی باشد شب

هي أشد وطأ وأقوم قيلا ۝
آن سخت ترست از جهت رنج — و راسترست از جهت مقال

إن لك في النهار سبحا
بدرستی که مر ترا — در روز — آمد شد

طويلا ۝ واذكر اسم ربك
دراز ست — و یاد کن نام — پروردگار خود را

وتبتل إليه تبتيلا ۝ رب
و بریده شو از خلق — بسوی او بریدن کامل — آفریدگار

المشرق والمغرب لا إله إلا هو
مشرق و مغرب — هیچ معبود نیست سزای پرستش — مگر او

فاتخذه وكيلا ۝ واصبر على
پس بگیر او را — کارساز — و صبر کن بر

ما

مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ

انچه میگویند کفار وبهبر ازیشان

هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَ

بریدن نیکو وبگذار مرا و

الْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ

با مکذبان خداوند نعم

وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا

ومهلت ده ایشانرا مهلت اندک بدرستی که نزدیک ماست

أَنْكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا

بندهای گران واتش بزرگ وخوردنی

ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝

با غصه درگلو گرفتن وعذابی دردناک

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

روزی که بلرزه اید زمین وجنبد کوههای

وكانت الجبال كثيبا
وگردند کوهها تلها ریگ

مهيلا ۞ انا ارسلنا اليكم
پراکنده بدرستی که ما فرستادیم بسوی شما

رسولا شاهدا عليكم كما
پیغمبری گواه بر اقوال و افعال شما همچنانک

ارسلنا الى فرعون رسولا ۞
فرستادیم ما بسوی فرعون رسولی

فعصى فرعون الرسول
پس عاصی شد فرعون پیغمبر را

فاخذناه اخذا وبيلا ۞ فكيف
پس بگرفتیم اورا گرفتنی سخت پس چگونه

تتقون ان كفرتم يوما
نگاه دارید اگر تمانید بر کفر خود از عذاب روزی

يجعل الولدان شيبا ۝

گرداند کودکان را پیر

السماء منفطر به كان

آسمان شکافته شود بسختی آن هست

وعده مفعولا ۝ إن هذه تذكرة

وعده خدا بودنی بدرستی که اینها پندی است

فمن شاء اتخذ إلى ربه

پس هر که خواهد فراگیرد بقرب آفریدگار خود

سبيلا ۝ إن ربك يعلم

راهی بدرستی که پروردگار تو میداند

أنك تقوم أدنى من ثلثي

آنکه تو بر می خیزی برای نماز کمتر از چاردانگ

الليل ونصفه وثلثه وطائفة

شب و نماز گذاری نیم شب و سه یک از وی و بر میخیزند گرو

مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ ط

از آنانکه باتو اند و خدای

يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ

اندازه میکند شب و روز را داند خدا انکه

لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ

طاقت ندارید تقدیر اوقات را پس بازگشت بشما

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ط

پس بخوانید انچه آسان بود از قرآن

عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ

داند انکه خدا باشند از شما بیماران

وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي

و دیگران که سیر کنند در

الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

زمین میطلبند از فضل خدا

وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

ودیگران که کارزار میکنند در راه

اللّٰه فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ

خدا پس بخوانید انچه میسر شود ازان و

أَقِيمُوا الصَّلوٰةَ وَآتُوا الزَّكوٰةَ

بپای دارید نماز مفروضه را و بدهید زکوة واجبه را

وَأَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ط

وقرض دهید خدارا قرضی نیکو

وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ

وانچه پیش فرستید برای نفسهای خود از

خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا

نیکی بیابید انرا نزدیک خدا او بهتر و بزرگتر

وَأَعْظَمَ أَجْرًا ط وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ط

از روی مزد وطلب امرزش کنید از خدا

إن الله غفور رحيم

بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست

سورة النبأ اربعون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدا بخشاینده مهربان

عم يتساءلون عن النبأ

از چه چیز می پرسند کافران از خبری

العظيم الذي هم فيه

بزرگ آن خبری که ایشان درو

مختلفون كلا سيعلمون

اختلاف کنندگان حقا که سرانجام است که بدانند نزدیک نز

ثم كلا سيعلمون ألم

پس زود باشد که بدانند روز قیامت

ع

نجعل الارض مهادا ۶ والجبال

ساخته ایم زمین را فراشی گسترده وکوهها را

اوتادا ۷ وخلقناکم ازواجا

میخها وبیافریدیم شمارا نر وماده

۸ وجعلنا نومکم سباتا ۹ و

وگردانیدیم خواب شمارا راحت بدنها و

جعلنا الیل لباسا وجعلنا النهار

گردانیدیم شب را پوشش وگردانیدیم روز را

معاشا ۱۱ وبنینا فوقکم

وقت طلب معیشت وبنا کرده ایم زبر سر شما

سبعا شدادا ۱۲ وجعلنا سراجا

هفت آسمان سخت وبیافریدیم چراغی

وهاجا ۱۳ وانزلنا من المعصرات

افروخته وفرو فرستادیم از ابرهای بارنده

ماءً ثجاجا لنخرج به حبا ونباتا

آبی ریزان تا بیرون آریم بدان آب دانه و رستنی

وجنات ألفافا ۝ إن يوم

و درختان درهم پیچیده بدرستی که روز

الفصل كان ميقاتا ۝ يوم

حکم گذاری هست وقتی مقرر روزی

ينفخ في الصور فتأتون أفواجا

دمیده شود در صور پس بیایید شما از قبرها گروه گروه

وفتحت السماء فكانت أبوابا

و بگشاده شود آسمان یعنی باشد درها از بسیاری شکاف

وسيرت الجبال فكانت سرابا

و رانده شوند کوهها پس باشند مثل سراب

إن جهنم كانت مرصادا

بدرستی که دوزخ باشد گذرگاه خلق

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ۝ لَّابِثِينَ فِيهَا

مر گمراهان را بازگشت درنگ کنند دران

أَحْقَابًا لَا يَذُوقُونَ فِيهَا

روزهای دراز نمی چشند در دوزخ

بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَ

خنکی هوا و آشامیدن شرابی مگر آبی گرم و

غَسَّاقًا جَزَاءً وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ

ریم پاداش داده میشوند پاداشتی موافق کردار خود بدرستی که ایشان

كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَ

بودند نمی ترسیدند از حساب آخرت و

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ

تکذیب نمودند آیتهای ما تکذیب کردنی و هر

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا فَذُوقُوا

چیزی را شمردیم از او نوشتنی پس بچشید

فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا
بس نمی افزاییم شمارا همیشه مگر عذابی

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ
بدرستی که مر پرهیزگارانرا رستگاری از عذاب با

وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا
و درختان انگور و دختران نارپستان همزادان

وَكَأْسًا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ
و جامها پر از شراب نمی شنوند

فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا جَزَا
در بهشت سخنان بیهوده و نه دروغی جزا داد

مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا رَبِّ
از پروردگار خود عطا کرد عطای وافی آفریدگار

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
آسمانها و زمین و آنچه

بينهما الرحمن لا يملكون منه

آن هر دو بخشاینده مالک نگویند ازو

خطابا يوم يقوم الروح والملائكة

خطاب را آن روز بایستد روح و فرشتگان

صفا لا يتكلمون الا من اذن له

صف زده سخن نگویند مگر کسی که دستوری دهد اورا

الرحمن وقال صوابا ۝ ذلك اليوم

بخشاینده وگوید گفتار صواب آن روز

الحق فمن شاء اتخذ الى ربه

راست پس هر که خواهد بگیرد سوی خداوند

مابا ۝ انا انذرناكم عذابا قريبا

جای بازگشت بدرستی که بیم کردیم شما را عذابی نزدیک

يوم ينظر المرء ما قدمت

آن روز بنگرد مردم آنچه پیش فرستاد

يداه ويقول الكافر يا ليتني

هر دو دست او وگوید کافر ای کاش من

كنت ترابا ۝ بسم الله الرحمن الرحيم

بودمی من خاک بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ

نَشْطًا وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ

سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ۞ يَوْمَ تَرْ

الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ۞ قُلُوبٌ

يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا

خَاشِعَةٌ يَقُولُونَ أَئِنَّا لَمَرْدُودُونَ

فِي الْحَافِرَةِ ۞ أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۞

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۞ فَإِنَّمَا

هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ٥٣٤
هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى إِذْ نَادَاهُ
رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى اذْهَبْ
إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ
إِلَى أَنْ تَزَكَّى وَأَهْدِيَكَ إِلَى
رَبِّكَ فَتَخْشَى فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى
فَكَذَّبَ وَعَصَى ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى
فَحَشَرَ فَنَادَى فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى

فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ءَاَنْتُمْ

اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰىهَا رَفَعَ سَمْكَهَا

فَسَوّٰىهَا وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا

وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا اَخْرَجَ

مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰىهَا وَالْجِبَالَ اَرْسٰىهَا

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِاَنْعَامِكُمْ فَاِذَا جَآءَتِ

الطَّآمَّةُ الْكُبْرٰى يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ

مَا سَعٰى وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ لِمَنْ يَّرٰى

لِمَنْ يَرٰى فَاَمَّا مَنْ طَغٰى وَاٰثَرَ الْحَيٰوةَ ٥٧

الدُّنْيَا فَاِنَّ الْجَحِيْمَ هِيَ الْمَاْوٰى وَاَمَّا

مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

الْهَوٰى فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى يَسْئَلُوْنَكَ

عَنِ السَّاعَةِ اَيَّانَ مُرْسٰهَا فِيْمَ اَنْتَ مِنْ

ذِكْرٰهَا اِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰهَا اِنَّمَا

اَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَّخْشٰهَا كَاَنَّهُمْ يَوْمَ

يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوْا اِلَّا عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰهَا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ اَنْ جَاۤءَهُ الْاَعْمٰى وَمَا

يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّٰىٓ اَوْ يَذَّكَّرُ

فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى اَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى فَاَنْتَ

لَهُ تَصَدّٰى وَمَا عَلَيْكَ اَلَّا يَزَّكّٰى

وَاَمَّا مَنْ جَاۤءَكَ يَسْعٰى وَهُوَ يَخْشٰى

فَاَنْتَ عَنْهُ تَلَهّٰى كَلَّا اِنَّهَا

تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاۤءَ ذَكَرَهُ فِي صُحُفٍ

مر

مُّكَرَّمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي

گرامی کرده شده بر داشته شده پاک کرده شد بدستهای

سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا

نویسندگان بزرگوار نیکان لعنت کرده شد آدمی چه

أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِن نُّطْفَةٍ

کافر شد از چه چیز آفرید او را از آب منی

خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ثُمَّ

بیافرید او را پس اندازه کرد او را پس راه آسان کرد او را پس

أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ

بمیراند او را پس در گور کرد او را پس چون خواهد برانگیزد او را

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ

حقا آنگاه نکرد آنچه فرموده او را پس بنگرد آدمی

إِلَىٰ طَعَامِهِ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ

سوی طعام خود بدرستیکه ما فرو ریختیم آب فرو ریختنی پس

شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

پاره کردیم ما زمین پاره کردنی پس برویانیدیم ما در آن دانها

وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ

وانگور وسبست وزيتون وخرما وبوستانها

غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَ

شاخ درخت وميوها وگياه برخوردارى شمارا

لِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ

ومر چهار پايان شمارا پس چون بيايد قيامت آن روز

يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ

بگريزد مردم از برادر خود وازمادر خود وازپدر خود وزن خود

وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ

وفرزند خود مرهر مردى ازايشان آن روز

شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ

شادان خندان بشارت دهندگان وروها

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ

آن روز برآن غبار آلوده فروپوشاند آنرا تاريكى

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

ايشان ايشانند كافران گناه كاران

بسم الله الرحمن

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ
چون آفتاب نور برده وچون ستارگان فرو ریزند
وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ
وچون کوهها برکنده شوند وچون اشتران گذاشته شوند
وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ
وچون پرندگان گرد کرده شوند وچون دریاها گرم کرده شوند
وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ
وچون آدمیان وتنها جفت کرده شوند وچون دختران
سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ وَإِذَا الصُّحُفُ
پرسیده شوند بکدام گناه کشته شدند وچون نامها
نُشِرَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَإِذَا الْجَحِيمُ
پراکنده شوند وچون آسمان بازکرده شود وچون دوزخ
سُعِّرَتْ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ
افروخته شود وچون بهشت نزدیک کرده شود دانسته شود
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ فَلَا أُقْسِمُ
هر تنی آنچه کرده است پس سوگند یاد میکنم

بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَاللَّيْلِ إِذَا

بستاره روند روز پنهان شوند و شب چون

عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ

تاریک بود و صبح چون روشن بود بدرستی که این سخن

رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ

رسولی است بزرگوار خداوند قوه نزدیک خداوند

ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ

عرش استوار فرمان برده آنجا

أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ

استوار است و نیست صاحب شما دیوانه

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَمَا هُوَ

و بدرستی که دید او را بکرانه آسمان پیدا و نیست این قرآن

عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ

و نیست قرآن گفتار دیو رانده پس هر کجا روید شما

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

نیست او مگر پند مر جهانیان را هر که خواهد از شما

أَنْ يَسْتَقِيمَ

أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
که مستقیم شود و نخواهید شما مگر آنکه خواهد
اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خدای پروردگار جهانیان بنام خدای بخشاینده مهربان
إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ
چون آسمان بشکافند و چون ستارگان فرو ریزند
انْتَثَرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ وَإِذَا الْقُبُورُ
فرو ریزند و چون دریاها کشاده شود و چون گورها
بُعْثِرَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ
برانگیخته شود بداند هر تنی آنچه کرده بود
أَخَّرَتْ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ
آنچه پس گذاشته بود ای آدمی چه فریفت ترا
بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ
بخداوند تو بزرگوار آنکه بیافرید ترا
فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ
پس راست بالا افراشت ترا در هر صورت که خواست

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ وَإِنَّ

حقا بلکه دروغ میدارید پاداش را و بدرستی

عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ

بر شماست هر آینه نگاه دارندگان گرامی نویسندگان

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي

میدانند چه میکنید ان نیکویان مومنان هر آینه در

نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا

در بهشت و بدرستیکه کافران هر آینه در دوزخ در شوند در آن

يَوْمَ الدِّينِ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

روز قیامت و نباشند ایشان از آن غایبان

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ثُمَّ مَا

و چه دانا کرد ترا چه روز است قیامت پس چه دانا کرد

أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ يَوْمَ لَا

ترا چه روز است روز پاداش آن روز نبود

تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ

پادشاه هیچ تنی مر هیچ تنی را چیزی و کار

يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
آن روز فرمان خدای راست بنام خدای بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ الَّذِيْنَ اِذَا اكْتَالُوْا
سختی عذاب مر کم دهندگان را آنانکه چون خریدن را بپیمایند

عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ وَاِذَا كَالُوْ
بر مردم تمام بپیمایند و چون بپیمایند

هُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ اَلَا يَظُنُّ
ایشان را یا برسنجند ایشان را کم بپیمایند و کم سنجند گمان نبرند

اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَبْعُوْثُوْنَ لِيَوْمٍ
آن گروه که ایشان برانگیخته شوند مر روز

عَظِيْمٍ يَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ
بزرگ آن روز که برخیزند آفریدگان پروردگار جهانیان را

كَلَّا اِنَّ كِتٰبَ الْفُجَّارِ لَفِيْ سِجِّيْنٍ وَ
حقا نامه بدکاران اندر زندان سجین باشد

مَا اَدْرٰىكَ مَا سِجِّيْنٌ كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ
و ترا چه دانا کرد چیست سجین نامه نبشته

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ الَّذِينَ

سختی عذاب آن روز منکران بعث را آنانکه

يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَمَا يُكَذِّبُ

منکر شوند بروز قیامت و نگوید دروغ

بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ إِذَا تُتْلَى

بران مگر هر از حد گذرنده بدکردار چون خوانده شود

عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ كَلَّا

برو قرآن گوید نبشتهای پیشینیان حقا

بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بلکه مهر نهاد بر دلهای ایشان آنچه بودند میکردند

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ

حقا در ایشان از خداوند امروز در حجاب کرده شوند

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي

پس که ایشان در آیند در دوزخ پس گفته شود این آن

كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ

بودید شما بدو دروغ میداشتید حقا نامه نیکان

لفی

لَفِى عِلِّيِّينَ ۝ وَمَا أَدْرٰىكَ مَا

عِلِّيُّونَ ۝ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝ يَشْهَدُهُ

الْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِى

نَعِيمٍ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝

تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ

النَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ

مَّخْتُومٍ ۝ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِى

ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ۙ عَيْنًا

و آمیختگی او از شراب بلند چشمه

يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

که بخورند بدان نزدیکان بدرستی که

أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ

آنانکه بدی کردند بودند از مر کسانی

آمَنُوا يَضْحَكُونَ ۝ وَإِذَا مَرُّوا

مؤمنان می خندیدند و چون بگذشتندی بر ایشان

بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۝ وَإِذَا انْقَلَبُوا

طعنه می زدند و چون باز گشتندی

إِلَى أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝

سوی اهل خویش باز گشتندی شادان

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ

و چون بدیدندی مؤمنان را گفتندی که اینان

لَضَالُّونَ ۝ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ

گمراهانند و نفرستادند بر ایشان

حافظين

حافظين ۝ فاليوم الذين آمنوا من

نگاه بانان پس امروز آنانکه بگرویدند از

٦٣ الكفار يضحكون ۝ على الأرائك ينظرون ۝

کافران بخندند بر تختها می‌نگرند

هل ثوب الكفار ما كانوا يفعلون ۝

بدرستی پاداش داده شود کافران آنچه بودند می کردند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إذا السماء انشقت وأذنت لربها

چون آسمان بشکافد و فرمان بردار شود خداوند خویش را

وحقت وإذا الأرض مدت وألقت

سزاوار آسمانرا و چون زمین کشیده شود کشیدنی و بیرون افکند

ما فيها وتخلت وأذنت لربها وحقت

آنچه در زمین است و خالی شود و فرمان بردار شود خداوند خویش را و سزاوار

يا أيها الإنسان إنك كادح إلى ربك

ای آدمیان که تو کار کننده سوی خداوند خود

كدحا فملاقيه فأما من أوتي كتابه

کار کردنی پس بیننده آن فاما هر که داده شود نامه او

بيمينه فسوف يحاسب حسابا يسيرا

بدست راست او پس زود باشد که شمار کرده شود شماری آسان

وينقلب إلى أهله مسرورا وأما من

و بازگردد سوی اهل خود شادمان واما هرکه

أوتي كتابه وراء ظهره فسوف يدعو

داده شود نامه او پس پشت او پس زود باشد که خواند

ثبورا ويصلى سعيرا إنه كان في أهله

وای هلاک و درآید در آتش افروخته که او بود در اهل خود

مسرورا إنه ظن أن لن يحور بلى

شادمان که او گمان برد که هرگز بازنگردد آری

إن ربه كان به بصيرا فلا أقسم

که خدای او بود بوی بینا پس سوگند یاد میکنم

بالشفق والليل وما وسق والقمر

بسرخی پسینی و شب و آنچه گرد آورد و ماه

اذا اتّسق ۝ لتركبنّ طبقًا

چون تمام شود هرآینه بر نشینید حالی

عن طبق ۝ فما لهم لا يؤمنون

از حالی پس چه بود ایشان را نمی گروند

واذا قرئ عليهم القرآن

و چون خوانده شود بر ایشان قرآن

لا يسجدون ۝ بل الذين كفروا

سجده نمی کنند بلکه آنان که کافر شدند

يكذّبون ۝ والله اعلم

منکر شوند و خدای داناتر

بما يوعون ۝ فبشّرهم بعذاب

بدانچه نهانی در دل دارند پس مژده ده ایشان را بعذابی

اليم ۝ الّا الّذين آمنوا وعملوا

دردناک مگر آنانکه بگرویدند و کار نیکو

الصّالحات لهم اجر غير ممنون ۝

کردند مر ایشان راست ثوابی ناکاسته و قطع نابریده

سجده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ

و سوگند آسمان خداوند کوشکها و بروز

الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

وعده و روز آدینه و روز نحر

قُتِلَ اَصْحَابُ الْاُخْدُودِ النَّارِ

لعنت کرده شد خداوند کندها آتش

ذَاتِ الْوَقُودِ اِذْهُمْ عَلَيْهَا

خداوند افروخته آن ان بر آن

قُعُودٌ وَهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُونَ

نشستند و ایشان بر آنچه میکردند

بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَمَا نَقَمُوا

بگروندگان حاضر بودند و کینه نکشیدند

مِنْهُمْ اِلَّا اَنْ يُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ الْعَزِيزِ

از ایشان مگر آنکه بگرویدند بخدای ارجمند

الحميد

الحميد الذي له ملك السموات
ستوده انک مر اوراست پادشاهی آسمانها
والارض والله على كل شيء شهيد
و زمین و خدای بر هر چیزی نگاهبانست
ان الذين فتنوا المومنين والمومنات ثم
که آنانک بسوختند مردان گرویده را و زنان گرویده را پس
لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب
از گناه نگشتند پس مر ایشان راست نکوهی آتش دوزخ و مر ایشان راست عذاب
الحريق ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
سخت سوزنده بدرستی که آنانک بگرویدند بکردند نیکیها
لهم جنات تجري من تحتها الانهار
مر ایشان راست بوستانها می رود از زیر آن جویها
ذالك الفوز الكبير ان بطش ربك
آنست رستگاری بزرگ بدرستی که گرفتن خدای تو
لشديد انه هو يبدئ ويعيد وهو
هر آینه سخت است بدرستیکه او آن خدایست بیافرید در دنیا و بیافریند در آخرت و اوست

الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال

آمرزنده سخت دوست دار خداوند عرش بزرگوار کننده است

لما يريد هل اتيك حديث الجنود

آنچه خواهد آیا آمد بتو سخن لشکرها

فرعون وثمود بل الذين كفروا

فرعون و قوم صالح بلکه آنانکه کافر شدند

في تكذيب والله من ورائهم محيط

در دروغ داشتن پیغمبران و خدای از پس ایشان و قدرت او

بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ

در لوح نبشته بلکه این قران بزرگترست در لوح محفوظ

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق

و سوگند بآسمان و ستاره و چه دانانید ترا چیست ستاره طارق

النجم الثاقب ان كل نفس لما عليها

ستاره روشن نیست هیچ تنی مگر بر آن

حافظ

حافظ ٥ فلينظر الانسان مم خلق ٥

نگاهبانست گو ببیند آدمی از چه آفریده شده است

خلق من ماء دافق ٥ يخرج من بين الصلب

آفریده شد از آب جهنده بیرون آید از میان پشت پدر

والترائب ٥ انه على رجعه لقادر ٥ يوم

واز شکم مادر که او بر بعث او هر آینه تواناست روز

تبلى السرائر ٥ فما له من قوة ولا ناصر ٥

پدید کرده شود نهانیها پس نیست مر او را از قوة ونه بازدارنده

والسماء ذات الرجع ٥ والارض ذات

وسوگند باسمان خداوند باران وسوگند بزمین خداوند

الصدع ٥ انه لقول فصل ٥ وما هو بالهزل ٥

شکافتن که این قران گفتار درست ونیست قران ببازی

انهم يكيدون كيدا ٥ واكيد كيدا ٥

ایشان مکر میکنند سگالیدنی ومیسگالم وبال ایشان را کاری

فمهل الكافرين امهلهم رويدا ٥

پس مهلت ده ناگرویدگان را مهلت ده ایشان را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى الَّذِي خَلَقَ
فَسَوّٰى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدٰى وَالَّذِي
اَخْرَجَ الْمَرْعٰى فَجَعَلَهُ غُثَاۤءً اَحْوٰى
سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰى اِلَّا مَا شَاۤءَ اللّٰهُ اِنَّهُ
يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى
فَذَكِّرْ اِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرٰى سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشٰى
وَيَتَجَنَّبُهَا الْاَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ
الْكُبْرٰى ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيٰى

قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ
بدرستیکه رستگار شد هر که توحید گفت و یاد کرد نام خدای خود

فَصَلّٰى بَلْ تُؤْثِرُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ
پس نماز کرد بلکه برگزیدند زندگانی اینجهان و آن جهان

خَيْرٌ وَّاَبْقٰى اِنَّ هٰذَا لَفِى الصُّحُفِ الْاُوْلٰى
بهتر و پاینده تر انک این بود در نامه های پیشین

صُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى ۞ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
در نامه های ابراهیم و موسی بنام خدای بخشاینده مهربان

هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ وُجُوْهٌ
بدرستی آمد بتو خبر پوشنده رویها بود

يَّوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ تَصْلٰى
آن روز خوار کشنده و بادرکش در تعب و رنج باشند در آیند

نَارًا حَامِيَةً تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ
در آتش گرم آب داده شود از چشمه جوشیده

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ اِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ
نیست مرایشان را هیچ خوردنی مگر از ضریع [illegible]

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ وُ

فربه نکند و بی نیاز نکرداند از گرسنگی

جُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ

رویها انروز روشن مر سعی عمل خود را پسندیده

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً

در بهشت برداشته نشنوند دران بیهوده

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ

دران چشمها روان دران تختها برداشته شده

وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ

و قدحها باکوزه نهاده و بالشها

مَصْفُوفَةٌ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ أَفَلَا

رسته نهاده و بساطها گسترده آیا نمی نگرند

يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ

بنگرند سوی اشتر چگونه آفریده است

إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ

سوی آسمان چگونه برداشته شده است و سوی کوهها

كيف

كيف نصبت وإلى الأرض كيف سطحت

فذكر إنما أنت مذكر لست عليهم

بمصيطر إلا من تولى وكفر فيعذبه الله

العذاب الأكبر إن إلينا إيابهم ثم

إن علينا حسابهم سورة الفجر مكية تسع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والفجر وليال عشر والشفع والوتر

والليل إذا يسر هل في ذلك قسم

لِذِي حِجْرٍ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

مر خداوندان خرد را گران از بینی چگونه عقوبت کرد خدای تو

بِعَادٍ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ

بگروه عاد اُم او ارم خداوند بناها بلند آنک آفریده نشد

مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَا

مانند ایشان در شهرها و قوم صالح آنانک سوراخ کردند

بُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي

کوهها را بوادی قری و فرعون خداوند

الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ

میخها آنانک عاصی شدند در شهرها

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ

پس بسیار کردند و در زمین تباه کاری پس فرو ریخت بر ایشان خدای تو

سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

سخت عذاب که خداوند تو بر سر راه است نگاه دارنده

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ

اما امیه بن خلف چون آزموده کند او را خدای

فأكرمه

کرام کرد او را

فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَكْرَمَنِ

گرامی کرد اورا ونعمت داد اورا پس گوید خدای من گرامی کرد مرا

وَأَمَّآ إِذَا مَا ٱبْتَلَىٰهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

و اما چون بیازمید اورا پس تنگ کرد بر وی روزی او

فَيَقُولُ رَبِّيٓ أَهَٰنَنِ كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ

پس گوید خدای من خوار کرد مرا حقا بلکه گرامی نمیدارید

ٱلْيَتِيمَ وَلَا تَحَٰٓضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ

بی پدران را و نه بر انگیزید خود را بر طعام دادن مسکینان

وَتَأْكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا وَتُحِبُّونَ

و می خورید میراث را خوردنی بسیار و دوست دارید

ٱلْمَالَ حُبًّا جَمًّا كَلَّآ إِذَا دُكَّتِ ٱلْأَرْضُ

خواسته دوست داشتنی حقا چون جنبانیده شود زمین

دَكًّا دَكًّا وَجَآءَ رَبُّكَ وَٱلْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

جنبانیدنی جنبانیدنی و آمد فرمان خدای تو و فرشتگان صف صف زده

وَجِاْيٓءَ يَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ

آورده شود آن روز دوزخ را آنروز پند گیرد

الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَا

کافر گوید کافر ای / دارد کجا باشد که سود کند پند

لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ

کاشکی من کار نیک کردمی برای زندگانی پس امروز عذاب نکند

عَذَابَهُ أَحَدٌ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

چون عذاب خدای کسی و در نبندد و غل نکند چون بند و غل خدای

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ

ای نفس آرمیده بگفتار خدای بازگرد سوی خدای خویش

رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

خشنود پسندیده پس درآی در میان بندگان من

وَادْخُلِي جَنَّتِي سورة البلد مكية عشرون آية

و درآی در بهشت من

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ

سوگند یاد میکنم بدین شهر و تو ... خدای

بهذا البلد

بِهَذَا الْبَلَدِ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ لَقَدْ

بدين شهر وسوگند بادم وفرزندان او بدرستيكه

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ

افريديم ادمي را در مشقت ورنج ايا مي پندارد كه هرگز

يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

توانا نشود برو افريدگار او گويد هلاك كرديم در دشمنانگي

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

ايا مي پندارد كه نديد خداي كار او را كه ونه افريديم مر او را دو چشم بيننده

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

وزبان گوينده ودو لب وسنا گردانيديم با [illegible] ذرا [illegible]

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

پس نگذاشت عقبه ونه دانا تو چيست عقبه

فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

ازاد كردن بنده را يا طعام دهد در ان روز خداوند گرسنگي

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

يتيم را كه خويشي باشد يا درويشي بر خاك خسبنده

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا

پس بود از آنانك بگرویدند و بیکدیگر وصیت کردند

بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ

بصبر کردند و بیکدیگر وصیت برحمت ایشانند

أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ

خداوند سوی دست راست وآنانك نگرویدند بحجتهای قرآن ایشان

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ

خداوندان سوی دست چپ بر ایشان آتشی طبق در بسته

سورة الشمس مكية خمس عشر آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا

و سوگند بآفتاب و بچاشتگاه ... وسوگند بماه چون تلا[ها] الهلال

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

و روز چون روشن کند دنیا را و شب چون بپوشد روشنی روز را

٢١ ٤٣

وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنٰيهَا وَالْاَرْضِ وَمَا طَحٰيهَا

و سوگند به آسمان و آنکه بنا کرد او را ... و آنکه گسترد او را

وَنَفْسٍ وَّمَا سَوّٰيهَا فَاَلْهَمَهَا فُجُوْرَهَا

و به تن و آنکه راست کرد او را پس الهام داد او را بدی

وَتَقْوٰيهَا قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّٰيهَا وَقَدْ

خَابَ مَنْ دَسّٰيهَا كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِطَغْوٰيهَا

نومید شد هر که فرود گذاشت او را دروغ داشتند قوم صالح به سرکشی خود

اِذِ انْبَعَثَ اَشْقٰيهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ

چون برخاست بدبخت‌ترین ایشان پس گفت مر ایشان را پیغامبر خدای

نَاقَةَ اللّٰهِ وَسُقْيٰهَا فَكَذَّبُوْهُ فَعَقَرُوْهَا

بپرهیزید از شتر خدای و نگهدارید آب خوردن او پس دروغ داشتند او را پس پی کردند او را

فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْۢبِهِمْ فَسَوّٰيهَا

پس فرود آورد عقوبت بر ایشان خدای ایشان به گناه ایشان پس برابر کرد او را

وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا ۞ سورة الليل مكية احدى وعشرون آية

و نترسد ... عاقبت ...

بسم الله الرحمن الرحيم والليل اذا

بنام خدای بخشاینده مهربان وسوگند بشب چون

يغشى والنهار اذا تجلى وما خلق الذكر

بپوشد وبروز چون روشن شود وآنکه بیافرید نر

والانثى ان سعيكم لشتى فاما من اعطى

وماده که عمل شما پراکنده است واما کسی که خواسته داد

واتقى وصدق بالحسنى فسنيسره

وپرهیز کرد ودرست داشت بلا اله الا الله پس زود بود که آسان کنیم

لليسرى واما من بخل واستغنى

او را عمل بهشت واما آنکس که بخیلی کند وبی نیاز گردد

وكذب بالحسنى فسنيسره

ودروغ داشت بلا اله الا الله زود آسان میکنیم او را

للعسرى وما يغنى

عمل اهل دوزخ و سود کند او را

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۝ وَمَا يُغْنِي

پس مهيا كردانم اورا بدشوارى و دفع نميكند

عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ إِنَّ

ازو عذاب را مال او چون بميرد بدرستى

عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۝ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ

كه برماست بيان كردن حق وباطل و بدرستى كه ماراست انسراى عقبى

وَالْأُولَىٰ ۝ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا

و سراى پيشين پس بيم ميكنم شمارا باتشى

تَلَظَّىٰ ۝ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي

كه زبانه زند نيايد درو مكر بدبخت تر كسى كه

كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

تكذيب كرد ورو بكردانيد وزود بود كه دور كرده شود ازان اتش بر

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝ وَمَا لِأَحَدٍ

انكه ميدهد مال خودرا ميجويد ان پاكى و نبود هيچكس را

عنده من نعمة تجزى الا

نزدیک ابوبکر از منتی که مکافات کرده شود لیکن این کارکرد

ابتغاء وجه ربه الاعلى ولسوف

برای طلب رضا پروردگار خود که بزرگترست و زود باشد

يرضى سورة الضحى عشر آية

که خشنود گردد

بسم الله الرحمن الرحيم

والضحى والليل اذا سجى ما

سوگند به چاشتگاه سوگند بشب انگاه که تاریک گردد نه

ودعك ربك وما قلى وللا

گذاشته است ترا پروردگار تو و دشمن نگرده است و سرای

خرة خير لك من الاولى ولسوف

دیگر بهترست مر ترا از کرامت بخشش و زود باشد

يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ أَلَمْ

عطا دهد ترا آفریدگار تو پس تو خشنود شوی آیا

يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ

نیافت پروردگار تو ترا یتیم پس جای داد ترا ویافت خدای تو

ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا

راه گم کرده پس راه نمود ترا ویافت خدای تو عیالدار

فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

پس توانگر ساخت ترا پس اما یتیم را قهر مکن

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا

واما سایل را بانگ مزن واما

بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ سورة الم نشرح

بنعمت پروردگار خود حدیث کن خمس آية

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا
آیا کشاده نکرده ایم برای تو سینه ترا و برگرفتیم

عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ
از تو بارگران ترا آن باری که گران ساخت

ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ
پشت ترا و برداشتیم برای اظهار قدرت تو ذکر ترا

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ
پس بدرستی که دشواری در دنیا آسانی است در عقبی بدرستی با دشواری که در مکه است

الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ
آسانی بود در مدینه پس چون فارغ شوی از تبلیغ رسالت پس رنج کش

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ سورة التين ثمان آية
و بدرگاه پروردگار تو رغبت کن همه وقت

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

والتين والزيتون ۝ وطور

سوگند بانجیر وزیتون وسوگند بطور

سينين ۝ وهذا البلد الامين ۝

سینا وقسم بدین شهر امان دهنده یعنی مکه

لقد خلقنا الانسان في احسن

بدرستی که آفریدیم ما آدمی را درنیکوتر

تقويم ۝ ثم رددناه اسفل

نگاهداشتن پس بازگردانیدیم اورا بزیرترین همه

سافلين ۝ الا الذين آمنوا و

یعنی عالم طبیعت مگر آنانکه ایمان آوردند و

عملوا الصالحات فلهم اجر

کردند عملها ستوده پس مر ایشانراست مزدی

غير ممنون ۝ فما يكذبك بعد بالدين

نابریده پس چه چیز ترا بتکذیب میدارد پس از ظهور دلایل

أَلَيْسَ اللّٰهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ
اي نيست خدا محكم كننده ترين حكمان

سورة اقرا مكية وهي ثمان عشر آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
بخوان قرآن را بنام پروردگار خود آن خداي كه بيافريد همه چيز را

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اِقْرَأْ وَ
بيافريد آدميان را از خون بسته بخوان و

رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ
پروردگار تو بزرگوارترست آن خدايي كه بياموزانيد نوشتن تعليم

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
بياموخت خدا آدمي را آنچه نميدانست

كَلَّآ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَيَطْغٰى
حقا كه آدمى يعنى ابو جهل از حد مى برد

اَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى اِنَّ اِلٰى رَبِّكَ
اكه مى بيند خود را بى نياز بدرستى كه بسوى آ[illegible] تست

الرُّجْعٰى اَرَاَيْتَ الَّذِىْ يَنْهٰى عَبْدًا
بازگشت همه ايا مى بينى تو انرا كه باز ميدارد بنده كامل را كه محمد است

اِذَا صَلّٰى اَرَاَيْتَ اِنْ كَانَ
وقتى كه نماز ميگذارد ايا مى بينى اگر باشد بنده

عَلَى الْهُدٰى اَوْ اَمَرَ بِالتَّقْوٰى
بر راه راست يا ميفرمايد خلق را به پرهيزگارى

اَرَاَيْتَ اِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى اَلَمْ
يعنى اگر تكذيب كند ابو جهل و روى بگرداند ايا

يَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ يَرٰى كَلَّا لَئِنْ لَّمْ
[illegible] خداى [illegible] اورا [illegible]

لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ نَاصِيَةٍ

لنر ایذای محمد بگیریم او را بموی پیشانی

كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ فَلْيَدْعُ

دروغگوی خطاکار کو بخواند ابوجهل

نَادِيَهُ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ كَلَّا

مجلس خود را نزد باشد که بخوانیم زبانیه را حقا که

لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ

فرمان مبر او را و سجده کن بردوام خدا را و نزدیک شو بحضرت احدیت

سورة القدر خمس آیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا

بدرستی که ما فرستادیم قرآن را در شب قدر و

أَدْرٰيكَ مَا لَيْلَةُ ال[قدر] لَيْلَةُ

... که چیست شب قدر

الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ

شب بهترست از هزار ماه فرود آیند

الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

فریشتگان و جبرئیل درین شب بفرمان

رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلٰمٌ ۝ هِيَ

پروردگار ایشان از هر کاری بزرگ سلامت شب قدر

حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝ سورة لم يكن سبع آية

تا دمیدن سفیده دم صبح است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

نبودند آنانک کافر شدند از

أَهْلِ الْكِتٰبِ وَالْمُشْرِكِينَ

اهل توریة واز مشرکان عرب

مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

باز استادگان از کفر تا آنگاه که بریشان آید حجت روشن

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

فرستاده از خدا میخواند از صحیفها پاکیزه

برامت

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ وَمَا تَفَرَّقَ

دران صحیفها نوشتها راست و درست و متفرق نشدند در

شان محمد

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا

آنانک داده شده اند این کتاب را مگر

مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ

از پس آنکه آمد بدیشان پیغمبر

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

و امر کرده نشدند مگر آنکه پرستش کنند خدا را پاک کنندگان

لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ

برو دین خدا کیش خود را میل کنندگان و بکذارند نماز مفروضه را

وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ وَذٰلِكَ دِينُ

وبدهند زكوة واجبه را واينها مامور شدند ملت

الْقَيِّمَةِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

درست است بدرستي انانكه كافر شدند از

أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي

اهل كتاب و از مشركان در

نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولٰئِكَ

آتش دوزخ باشند جاويدان دران آن گروه

هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ

ايشانند بدترين عالمانند بدرستي انانكه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ

بگرويدند وبكردند عملهاء نيك آنگروه

هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ

ايشانند بهترين از همه آفريدگان پاداش ايشان

عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي

نزدیک پروردگار ایشان بوستانها اقامت میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

از زیر منازل آن جویها پایندگان

فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا

در آن همیشه خشنود باشد خدا از ایشان و راضی باشند

عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

از خدا این مذکور شد برای آنکسی است که بترسد از عقوبت خدا

سورة الزلزلة ثمان آية بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

چون جنبانیده شود زمین را جنبانیدن آن

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

و بیرون آرد زمین بارهای گران خود را

وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ

وگوید آدمی چیست زمین را اینروز

تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ

سخن گوید خبرهای خود را بسبب آنکه پروردگار تو

أَوْحَىٰ لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ

امر کند مرورا اینروز بازگردند مردمان

أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۝ فَمَن

پراکندگان تا داده شوند جزای کردارهای خود پس هرکه

يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝

عمل کند همسنگ مورچه خورد بهتر ببیند آنرا

وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

وهرکه کند بوزن [illegible] بدی ببیند

سورة العاديات عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والعاديات ضبحا فالموريات

سوگند باسبان دونده نفس زدنی پس بیرون آرندگان آتش از سنگها

قدحا فالمغيرات صبحا فاثرن

آتش زدنی پس سوگند بغارت کنندگان در وقت صبح پس برانگیختند

به نقعا فوسطن به

بوقت سپیده دم غباری پس عیان در آمدن بدان وقت گردهی را

جمعا ان الانسان لربه

بدرستی که آدمی مر پروردگار خود را

لكنود وانه على ذلك لشهيد

ناسپاس است و بدرستی که خدای بران هر آینه گواه است

وانه لحب الخير لشديد افلا

و بدرستی که او ست برای دوستی مال سخت است آیا

ع

يعلم اذا بعثر ما في القبور و

نميداندان چون ظاهر گردانيده در گورهاست و

حصل ما في الصدور ان ربهم

حاصل كرده شود انچه در سينهاست بدرستي كه اوندگار ايشان

بهم يومئذ لخبير

انروز داناست

سورة القارعة
عشر اية

بسم الله الرحمن الرحيم

القارعة ما القارعة وما ادريك

روز كوبنده چيست كوبنده وچه چيز دانا كردانيد ترا

ما القارعة يوم يكون الناس

چيست كوبنده روزيكه باشند مردمان

كالفراش المبثوث وتكون

مانند پروانه پراكنده وگردد

الجبال كالعهن المنفوش

كوهها مانند پشم رنگين زرد شده بكمان ندافى

فاما من ثقلت موازينه فهو

پس اما دران روز گران باشد ترازوی عمل او پس او

في عيشة راضية واما من

در زندگانی باشد پسنديده واما آنكس كه

خفت موازينه فامه هاوية

سبك بود ترازوهای عمل او پس جای او هاويه است

وما ادريك ماهيه نار حامية

وچه دانی تو چيست هاويه آتش نهايت رسيده

سورة التكاثر مكية ثمان آية

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلْهَىٰكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ

مشغول کرد شما فخر کردن بر بسیار قوم تا حد که آمدید

الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

بگورستان زود باشد که بدانید

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا

پس حقا که زود بدانید نه چنانست

لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

اگر بدانید دانش درست بیگمان

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا

بخواهید دید دوزخ را پس هر آینه بخواهید دیدن

عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

بچشم بیگمان پس هر آینه پرسیده شوید

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ سورة العصر ثلث آية

امروز از نعمتهائی

بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر ان الانسان لفي

سوگند بخدا روزگار بدرستی که آدمیان هر آینه در

خسر الا الذين آمنوا وعملوا

زیان اند مگر آنانک گرویده اند وکرده اند

الصالحات وتواصوا بالحق

کردارهای نیک و وصیت کرده اند یکدیگر را بعمل راست

وتواصوا بالصبر

و وصیت کرده اند بصبر

سورة الهمزة ست آية

بسم الله الرحمن الرحيم

ويل لكل همزة لمزة الذي

وای مر هر عیب کننده غیبت کننده آنکس که

جمع مالا وعدده • يحسب ان

گرد کرد مال را وشمرد آنرا • می پندارد آنکه

ماله اخلده • كلا لينبذن

مال جمع کرده او را جاوید خواهد ساخت در دنیا • نه چنانست هر اینه انداخته شود

في الحطمة • وما ادريك

در حطمه • وچه دانا کرد ترا

ما الحطمة • نار الله الموقدة

چیست حطمه • آتشی که خدا برافروخته شده

التي تطلع على الافئدة • انها

آتشی که برآید بر دلها • بدرستی که آن آتش

عليهم موصدة • في عمد ممددة

بر ایشان پوشیده شده • بستونهای دراز

سورة الفيل مكية وهي خمس آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم تر كيف فعل ربك باصحاب

ایا ندانستی که چگونه کرد پروردگار تو بخداوندان

الفيل الم يجعل كيدهم في

پیل ایا نساخت مکر ایشان را در

تضليل وارسل عليهم طيرا ابا

تباهی و فرستاد بر ایشان مرغان

بيل ترميهم بحجارة من سجيل

گروه گروه می افکندند آن کنکرا بسنگی از سنگ گل

فجعلهم كعصف مأكول

پس ساخت ایشانرا چون برگ گاه خورده شده

سورة القريش خمس آية

بسم الله الرحمن الرحيم

لايلاف قريش ايلافهم رحلة

~~ايا ديدى تو انكس را كه كذب ميكند~~ بيوستن ايشان در سفر

براى بيوستن قريش بيكديكر

الشتاء والصيف فليعبدوا

زمستان وتابستان بس بايد كه برستش كنيد

رب هذا البيت الذى اطعمهم

رب اين بيت مطهر آنكه طعام داد ايشانرا

من جوع وآمنهم من خوف

از كرسنكى وايمن كردانيد ايشانرا از ترس

سورة الماعون ثمان آية

بسم الله الرحمن الرحيم

أرأيت الذي يكذب بالدين ١
آيا ديدي تو آنكس را كه تكذيب ميكند بروز جزا
فذلك الذي يدع اليتيم ٢
پس آنكس است كه بعنف دفع ميكند وميراند يتيم
ولا يحض على طعام المسكين ٣
و تحريض نميكند بر طعام دادن مسكين
فويل للمصلين ٤ الذين هم
پس سختي عذاب براي نماز كنندگان رياي آنانكه ايشان
عن صلوتهم ساهون ٥ الذين
از نماز خود بيخبر اند آنانكه
هم يراؤن ويمنعون الما
ايشان ريا ميكنند در كردار و باز ميدارند مال
عون

سورة الكوثر ثلث آية

بسم الله الرحمن الرحيم

انا اعطيناك الكوثر فصل

ما عطا كرديم ترا بسيار پس نماز گذار

لربك وانحر ان شانئك

براى پروردگار خود و شتر قربان كن بدرستى كه دشمن تو

هو الابتر سوره الكافرون ست آيه

اوست دم بريده

بسم الله الرحمن الرحيم

قل يا ايها الكافرون لا اعبد

بگو اى كافرون نخواهم پرستيد

ما تعبدون ولا انتم عابدون

انچه شما مى پرستيد و نيستيد شما پرستندگان در حال انرا

مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا

که من می پرستم ونیستم من پرستنده درحال آنچه شما

عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

می پرستید و نباشید شما پرستندگان

مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ

آنرا که من پرستش میکنم مر شمارا است کیش شما

وَلِيَ دِينِ ۝ سورة النصر ثلث آية

و مرا آیین من

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ع

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَ

چون بیاید یاری کردن خدا و فتح مکه و

رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي

بینی تو مردمان را که در می آیند در

دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

دین خدا گروه گروه | پس تسبیح کن بستایش

رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ

پروردگار خود و آمرزش طلب او را بدرستی که او است

سورة تبت خمس آية تَوَّابًا

قبول کننده توبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا

هلاک باد هر دو دست ابی لهب و هلاک شد دفع

أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

نکند ازو خواسته او و آنچه کسب کرده

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ

زود باشد که در آید با تشی بازبانه و زن او

حمالة الحطب في جيدها حبل

بردارنده هیمه درگردن او رسن

من مسد سورة الاخلاص ثلث

از لیف خرما

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد الله الصمد

بگوای محمد اوست خدا یگانه آن خدای که بی نیاز

لم يلد ولم يولد ولم يكن

نزاد کسی را و زاده نشد از کسی و نیست

له كفوا احد سورة خمس آ

مر ورا همتا هیچکس

بسم الله الرحمن الرح

قل اعوذ برب الفلق من

بگو پناه می گیرم بآفریدگار صبح از

شر ما خلق ومن شر غاسق

بدی آنچه آفریده است واز بدی شب تاریک

اذا وقب ومن شر النفاثات

چون در آید ظلمت او واز شر دمندگان

فی العقد ومن شر حاسد

در گرههای واز بدی حاسد

اذا حسد سورة الناس ست آية

چون ظاهر کند

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس ملك

بگو پناه میگیرم به پروردگار آدمیان پادشاه

النّاس اله النّاس من

آدمیان معبود انسان از

شرّ الوسواس الخنّاس الّذی

شر وسوسه کننده نهان شونده آنکه

یوسوس فی صدور النّاس

وسوسه میکند در سینهای مردمان

من الجنّة والنّاس

از جنیان وآدمیان

تاریخ نهم ماه ذی الحجه یوم الاحد

یس خاکپای محرران فقیر کبیر

[The End:]

THIS MANUSCRIPT

was presented to me by Mr. WLADIMIR IVANOW, of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, India.

He is, perhaps, the best informed authority on Persian and Arabic MSS. in the Orient, and has lived in Persia and the Far East many years. Before the Great War he had charge of Persian, Arabic and Turkish MSS. - many of which he had himself collected - in the Imperial Library at St, Petersburg. His Catalogue Raisonée of the MSS in the A.S.B. Library is an authority on the subject of Perso-Arabic literature.

The present manuscript was originally written about 1487, A.D. in Arabic, and later interlineated with a translation in (redletter) Persian. The text is excerpts from the Koran. The scribe also added some crude floral ornaments in red.

A portion of the work (towards the end, as we view it, at the beginning) is by a different and more modern (ca. 1550 A.D.) hand.

It was probably the latter writer who, with a not uncommon desire to 'rejuvenate' the MS., obliterated the original date, which Mr. IVANOW places not later than the end of the 15th century.

Probably the 'morocco' binding dates from the time of the second scribe.

Colombo, CEYLON, Decr. 10, 1926

Casey A. Wood

(Dr. Casey Wood.)

...les Arabic & Persian MSS. are foliated (2 pages to a number) and not paged, as in English.